



سازمان کارگران انقلاب ایران

پیام کارگر

شماره ۴۳
۱۹۶۸

بها ۶۰ ریال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال سوم نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۴۸

امید غرب و تروریسم دولتی

رفسنجانی در نماز جمعه روز قدس با وقاحت تمام مدعیان له شعاریها و جاجو جنگال پاكردنهای امام در مانده اش را گرفت ، و در آنروز با صلااح فرمان داد كه فلسطینیها میباید در ۲۴ هریك شهیدی كه در مقابله با اسرائیل میبدهند پنج نفر از اتباع امریکا و کشورهای اروپائی را ترور کرده و بیاگر و گانگیرند . و با این ترتیب با جابائی رهبر " در صد و نشتوای قتل سلیمان رشدی گذاشت .

این سخنان رئیس مجلس فقها و اكنش شدیدی در افكار عمومی کشورهای مختلف و خصوصا در میان دولتهای کشورهای غربی برانگیخت . سازمان آزادیبخش فلسطین این سخنان را محكوم کرده و اعلام نمود كه فلسطینیها هیچگاه به توصیه های فقها برای مبارزه - اشان نیازی نداشته و ندادند . روزنامه ها و رساله های همگانی با حیرت تمام این موضعگیری را وسیعاً منعكس نمودند . خصوصا از اینکه مردم محبوب غرب یعنی کسی كه بعنوان رهبر واقع بین و " معتدل " معرفی شده بود چنین حرفی زده در ابتدا شوکه شدند . دولت های امریکا ، انگلیس ، فرانسه و آلمان فدرال شدیداً این موضعگیری را محكوم کرده و خواهان

"سیاست بازسازی" روی کاغذ

دراواثل اردیبهشت ماه شورای عالی باز سازی آئین نامه " سیاستها و الویت های بازسازی مناطق جنگ زده " و بخشهای آب ، گشا و رزی ، انرژی ، نفت ، مسکن و شهر سازی ، معادن و فلزات ، راه ، حمل و نقل و سیاستهای تعادل بخشی و تمرکز زدائی و همچنین " نحوه سرما به گذاری و مشارکت مردم در واحد های تولیدی " و " طرق تامین ارز مورد نیاز طرح های باز سازی " را تصویب و در اختیار نخست وزیر گذارد . قرار است نخست وزیر فقها بر اساس این آئین نامه شورای برنا مه ریزی راه دایت کرده و برنا مه ۵ ساله را كه مورد بحث است ، تهیه كند .

با یک نگاه به لیست فوق ، اگر کمی رژیم فقها و بحران خادومرگ زای آنرا نشناسد ، خواهد گفت كه حضرات بالاخره راه و روش خود را پیدا کرده و آنطور كه سردمداران آن میگویند ، در سایه ثبات و تحكیم

اتفاقاتهایی بر علیه آن شدند . ژا بنیها هم بسیار مجبور به تذکرنا رضا یشتیان به سفیر فقها در آن کشور گردیدند . این موضعگیری تا آن حد رسوا بود كه روزنامه ارگان حزب دمكرات مسیحی آلمان فدرال یعنی حزب حاكم بر آن کشور در يك مقاله تند ترا محكوم نموده و حتی عنوان نمود كه رژیم فقها بدترین و سیاه ترین دكتاتور موجود جهان است .

بعد از ماجرای سلیمان رشدی و بیگیری همان مئی تروریستی از جانب رفسنجانی كه چنانكه خواهیم دید نوعی شاخ و شانه كشیدن برای امیرالایم هم بود ، دولت های غربی بنا دجنایت های فقها در ایران و قتل عام زندانیان سیاسی هم قتا ده اند . این سالوسان كه در آن مقطع كمترین حرکت را علیه فقها انجام دادند حالا با آوری قتل عام زندانیان و ابرار رنگرانی نسبت به وضع حقوق بشر در ایران برای هر چه رسوا تر كردن و تحت فشار گذاردن حكومت اسلامی از آن استفا ده میکنند .

بهر حال فشار دولت های غربی كه به صورت هما هنگ و یكپا رجه اعمال میشود و انعكاس وسیع آن در رسانه ها ، كار خود را گرفته و رفسنجانی در روز ۲۲ اردیبهشت طی يك محاسبه را دیوتلوویزیونی با خبرنگاران ایرانی عقب نشینی كرد . و اعلام

در صفحه ۲

در صفحه ۲

چگونه توزیع ادبیات سازمان را گسترش دهیم .

جنبش کارگری و مدل گروای سرمایه داری

در صفحه ۱۲

گزارشاتی از برگزاری اول ماه مه

اعلامیه کمیته کردستان

مارش عزادری برلین غربی
در صفحه ۶

مصاحبه با نماینده
در صفحه ۶

كنگره ملی آفریقا در سوئد
در صفحه ۱

از مردگان گذشت ، سخن از مرده داران است .
در صفحه ۱

توده های هاو
در صفحه ۴

" سكتا ریسم " ما
در صفحه ۴

استاد عبادی جایزه را نپذیرفت .
در صفحه ۴



علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

امید غرب و تروریسم دولتی

از صفحه ۱

نموده که ولا منظور توصیه برای تروریسم بوده بلکه او با خطر افتادن جان بی گناهان مخالفت است! و تا نیا این موضع شخصی او بوده و ربطی به موضع رسمی حکومت اسلامی ندارد! این یعنی آنکه سردار کل اسلام "دمش را روی کولش گذاشت و با زبانش بی زبانی گفت غلط کردم، ما هنوز مدعیان دست بردار نیستند، وزارت خارجه انگلیس این اظهار نظرا خیرا کافیه نداشت و خواهان موضع گیری رسمی جهت پس گرفتن صحبت رفسنجانی و دستورات مشابه آن (مانند فتوای قتل رشدی) شده است.

قبل از آنکه ببینیم چرا رفسنجانی "عاقل" کسی که استراتژ و معماری با سازی رابطه بسیار مبریا لیسیم و حتی آمریکا بوده و از این طریق میخواهد حکومت و رشکته را نجات دهد، مجبور به اتخاذ چنین موضعی شده این عمل او یک امر برای چندمین بار در وضعیت کنونی رژیم اسلامی به ثبوت رساند و با قاطعیت مورد تأیید قرار داد: عمق و شدت بحران حکومت و درگیریهای درونی حکومتیان در حدی است که هر موضعی میتواند در ارتسواز ن نیروها بغیریت به ضد خود تبدیل شود. همچنین در این حکومت بنا پارتنی که جز با ما نوربین طبقات دستجات و نیروها نمیتوانند حرکت کنند "تندرو" می تواند واقع بین "شود و هر" عاقلی" میتواند چون دیوانگان عمل کند. اگر چه در نیروی از یک برنا ما با هم اختلافات زیادی داشته ایم اما در برخورد مقطعی با یک بحران حاد و عمیق وجه تشابه نیروهای متناظر این حکومت استقا ده از تا کتیکهای

از صفحه ۱

"سیاست بازسازی" روی کاغذ

نظام اسلامی برنا ما با سازی همه جا نیه شروع میشود! اما اگر کمی بیشتر روی این برنا ما تا مل کنسیم روشن میشود که این دست بخت حضرات چه آینده ای داشته و همچنین موجد چه برکتی خواهد شد.

مهمترین فصول این آئین نامه که هم جهت گیری اساسی آنرا تعیین میکنند و هم مسائلی را مطرح میکنند که در طول حیات این رژیم بحرانی همیشه مورد مناقشه و دعوی حضرات بوده است، همان فصول "نحوه سرمایه گذاری و مشارکت مردم در واحدهای تولیدی" و "طرق تامین ارز مورد نیاز طرحهای بازسازی" است آئین نامه در مورد نحوه سرمایه گذاری "مسردم" میگوید: ۲- "بخش عمومی شامل (وزارتخانه ها و موسسات دولتی و بانکها و شرکتها ی دولتی و سازمان صنایع ملی و...) مکلفند کلیه واحدهای تولیدی خدماتی و بازرگانی تحت مالکیت خود را به استثنای واحدهای مهم و استراتژیک ظرف مدت مشخص از طریق مزایده عمومی و یا عرضه سهام مربوطه در بورس ... برای فروش به مردم عرضه نمایند." ۳- "دولت

همان است، اینگونه حرکات خصوصا در مورد عناصری که در جایگاه اصلی رهبری قرار دارند و میکوشند که خود را بر فراز دستجات موجود قرار دهند، در توازن-های مشخص نیروهای درونی حکومت، همیشه قاسل انتظار است. و در تمامی موارد یک هدف دنبال میشود و آن کنترل نیروهای درونی و فائق آمدن بر موانعی است که حیات حکومت را زیر ضرب میبرد. از این لحاظ این حرکت علاوه بر آنکه نشان دهنده رفسنجانی هم میتواند نشانه دتر از محتشمی "انقلاب" ما در کند، بسن بستهای رژیم که دیگر ناچار است هر روزه از حربه تروریسم دولتی، که خود چون جاقوی دوله دستش را میبرد، استفاده کند راه نشان داد.

اما رفسنجانی زمانی این موضع را میگیرد که قانون اساسی در حال تجدید نظر قرار گرفتن است با این هدف که اختیارات متمرکز در رفسنجانی جمهوری کارگشای مشکلات فقها شود، و کاندیدای بسن بست کسی جز رفسنجانی نیست. و او کسی است که در جریان رابطه گیری با آمریکا که از جانب بیست منتظری "افشا شدنش سر کرده و معماری را داشته و علاوه بر آن بعنوان چهره محبوب امپریالیسم قلمداد شده و لاجرم همه آبروی نداشتش در مبارزه ضد امپریالیسمی را نزد امت حزب الله از دست داده است علاوه و در نقش استراتژی سازی، برنا ما های دور و درازی جهت به حلقه رفتن با عروس سرما به دارد و این تا بدتر مقابل چشمان از حقه در آمده "مستغفان" و حامیان تندرو آنها در میان حکومتیان انجسام گیرد. تندروانی که در جنگ درونی قدرت و در مقابل به با جناح منتظری و غیره آنقدر نیروی بال داده شدند که خود خمینی در نقش مرد اول "مدور انقلاب" فرمان قتل سلمان رشدی را داد تا اجازه دهد "جنبش مستغفان"

مکلف است لایحه و یا لویح لازم را بمنظور تامین امنیت سرما به گذاری مردم در امور تولیدی و ایجاد سازش و هیلات و مشورتی لازم در این زمینه از قبیل قائل شدن معافیتهای مالیاتی... تهیه و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. هم چنین در مورد طرق تامین ارز مورد نیاز طرحهای بازسازی میگوید الف- تنها تر به حساب مخصوص ج- یوازی حداقل دو ساله در پیش فروش محصولات هروا حکم ما ز ادب رفسنجانی باشد. ه- استفاده از منابع خارجی در چهار رجب مقررات و ضوابط وزارت امور اقتصادی، یعنی بطور رسمی اعلام میشود که اختیارات دولت و مالکیت آن بر تولید و اقتصاد دگانهش یافته و میدان برای فعالیت بخش خصوصی آماده میشود و از طرف دیگر اخذ وام و اعتبار از منابع خارجی مجاز شده و پذیرفته میشود. این برنا ما که با اصطلاح بازسازی با تکوا بیشتر به سرمایه داری در داخل و بازار امپریالیسمی و به قیمت سخت شرکت کردن فلاکت و پاشین تری بردن سطح معیشت کارگران و زحمتکشان و تضمین سود و امنیت سرما به گذاری سرما به داران است همان سیاست بازسازی است که از جانب رفسنجانی و خا منهای از بعد از "خوردن زهر" آتش بس جا زده میشد، و این همان برنا ما و سیاستی است که از جانب موسسوی نخست وزیر و جناح تندرو که خواهان حل بحران به شیوه یک اقتصاد متمرکز دولتی ارتجاعی و شعاریهای

از او نا امید شود. بس رفسنجانی هم اگر میخواهد به آرزوهای دور و درازش (۱) برسد نمیتواند به آسانی با بروی "تندروان"، خصوصا در مرحله کنونی قدرت آنها، بگذارد و لذا با جای "اسام" خود میگذارد و فرمان تروریسمی صادر میکند.

از سوی دیگر هنوز نه تنها امپریالیستها در آن حدی که فقها نیا زدا رند سر کبسه را شل نکرده اند، بلکه در کنش و قوس مجادلات مربوط به قرار داد صلح با حکومت عراق با درمیانی نکرده و گریبان آنها را از جنگ عراق در دنیا ورده اند. حکومت اسلامی در پی آنست که امپریالیستها در این مجادله به کمک او آمده و غاثل را بنفع او ختم کنند. اینهم عا ملسی است که فقها به کثرتی هیا هوی ضد غربی و حتی ژست نزدیکی به شرق بر آمده تا شاید معادلات شیخ خود بر هم زنند. اما واکنش شدید آمریکا و دولت های اروپایی باعث شد که حضرات دست و پایی خود را جمع کرده و به نادرستی ارزیابی خود در این مورد برسند.

چنین حرکت وجه حرکت مربوط به سلمان رشدی و در خلاف جهت سیاست اتخاذ شده توسط جناح مسلط حکومت فقها در بعد از آتش بس بوده است. این حرکات راه نزدیکی به امپریالیستها را با مشکلات مهمی روبرو میکنند و این مسئله ای نیست که از دید امثال رفسنجانی پوشیده باشد. اینک چرا او چنین میکند ریشه در موضوع مهمتری دارد و آن همان سیاست بحران حکومتی و حیات و ممات آنست. اول با بند حکومت آنها ما نداشتن بعد از رابطه با غرب مطرح باشد. تا بعد از "بازسازی" موضوعیت با بدو غیره. این اما نشانه نگر حداث بحران در کشور است که خصوصا با تشدید انزوا ی آنها در دورا خیر می رود که حما بس تر شود.

فد "استکباری" هستند، مورد مخالفت قرار گرفته بود. موسوی در آن دوره گفت که مشارکت بخش خصوصی را در حد بیش از ۲۰ درصد تولید و اقتصاد نمی پذیرد و با اخذ وام از خارج هم مخالفت است. و این موضع بسبب اشکال مختلف از جانب همه عنا صرحنا ج با اصطلاح تندروییان شده است.

این برنا ما و این خط مشی در زمان نسبی میخواهد به جریان افتد که در شرفعل و انفعالات درونی حکومتیان، نقش و وزن تندروها افزایش یافته و این آنها هستند که با در دست داشتن اهرم های اجرایی و نفوذ در مجلس با ید آنرا جاری کنند، و این چیزی جز تداوم و تعمیق اختلاف و لاجرم اخته و فلج کردن برنا ما نخواهد بود. از طرف دیگر در فضای بحرانی که سنگ روی سنگ بند نیست در موقعیتی که "قائم مقام رهبری" را امنیتی نیست، دعوت از "مردم" برای خرید موسسات تولیدی و سرمایه گذاری چه پاسخی خواهد داد؟ بی جهت نیست که حضرات برای رفع موانع، ماده ای تصویب کرده اند که ضمانت های لازم برای امنیت سرما به "از طریق تصویب لویح لازم توسط مجلس ایجاد کند. اینهمه اما آب درها ون کوبیدن است و اگر آنهمه هیا هوی باز سازی که بعد از زبیرش آتش بس بلند شده بود چیزی جز با دهوا نبود، تصویب سیاستهای آن و بسر روی کاغذ آوردنش اگر بردها منته اختلافات گریه ها نیا فزاید، جز شوخی نخواهد بود.

چگونه توزیع ادبیات سازمان را گسترش دهیم.

الف: توزیع ادبیات سازمانی بمثابه وظیفه روتین حزبی

ادبیات و انتشارات یک سازمان کمونیستی بزنانکیختن و دام زدن به ابتکارنه تنها نیروهای سازمانی، فعالین و هواداران گروههای سیاسی، بلکه توده های میلیونی همه ستمکشان و لگدمال تدگان را هدف خود قرار میدهد. برای اینکه تبلیغات ما در خارج از کشور در بادهای شیده نشود، برای اینکه تبلیغات در خدمت سازمان ندهی و در راستای ایجاد سنگرهای توده ای و رهبری آنها مؤثر واقع شود باید مستقیماً و بلاواسطه سراغ توده ها بروید. گسترش از فرقه گرائی بویولستی و روی آوری به سازمان ندهی آگاهی کمونیستی در میان طبقه کارگر و همه زحمت کشان و لگدمال تدگان، در گرونی های اساسی در نیوکار و اسباب سازمان ندهی را طلب میکند. ضرورت دیگر گونی و ارتقا در توزیع نشریات سازمانی ما از جمله اینهاست. سازمان ما که مدتهاست با انتقاد از خود کمونیستی، مشی بویولستی را مورد نقد قرار داده و بیشتا بر بنا به کمونیستی شده و در مسدود تحکیم و برقراری سک کار اصولی در برابر تیک مبارزاتی خود است. در این حوزه (توزیع انتشارات سازمانی در خارج) نیز که ارتباط تنگاتنگی با شیوه ها، اهداف و مضمون تبلیغ و ترویج سازمانی گری ما دارد، باید روش خود را ارتقا داده و وسک کار کمونیستی و حزبی اتخاذ کند.

وقتی که پیشبرد سک کار کمونیستی بمثابه نهضتی در سازمان ما جریان پیدا کرده و می رود که خود را کاملاً جاگیر نماید، طبیعی است که میباید در اشکال و شیوه های فعالیت ما هم تحول ایجاد کند. وقتی که ارگانهای محلی و منطقه ای سازمان در سایه مفاد بر بنا به مضوابط اساسی ما هویت حزبی کمیونیستی پیدا کرده و قادر میگردند در سایه بر بنا به کار ر دوره ای خود را در محیط فعالیت خویش طرح و به اجرا در آورند، می باید این هویت حزبی کمیونیستی بسط تک تک آنها کمونیست تشکیل دهنده واحد های پایه و حوزه ها تری یابد. همزمان با تعیین وظایف حوزه ای، جمعی گروهی و فراکسیونی، وظایف فردی نیز مشخص میشود. از این روموادی از بر نامه که دیگر تنها از طریق فعالیت گروهی کار، فراکسیون و حوزه پیش ترفته بلکه به فعالیت فردی و کمونیستی هر عضو و هوادار سازمان بستگی پیدا میکند، می بایستی بعنوان وظایف روتین هر عنصر حزبی درآید. البته در اینجا وظایف روتین حزبی در کلیت خود مورد توجه ما نیست، بلکه جزئی از آن که تبلیغ، ترویج و سازمانگری با استفاده از مذهب ترین ابزارهای آن چون "راه کارگر"، "پیام کارگر" کتابها و نشریات تئوریک سازمان در رابطه با نحوه توزیع مورد نظر است.

وقتی از وظیفه روتین حزبی در مورد توزیع و آبرومنان فردی و مستقیم نشریات سازمان صحبت می کنیم، بدین معنی است که هر عضو سازمان موظف

و هر هوادار سازمان تشویق میشود که بطور روزمره یا تبلیغ در برامین خود، در محل دین، کار و زندگی بوی انتشارات سازمان خواننده پیدا کرده و با آبروندگی آنان به این رابطه انتظام دهد. موفقیت در این حوزه نشانه توانائی و هنر سازمانگری هر کمونیست است و طبیعتاً باید بطور مرتب کم و کیف آن به حوزه حزبی مربوطه گزارش شود. این وظیفه در گسترش توزیع نشریات سازمانی بهیچوجه بمعنی رویگردانی سه مساله نیست، بلکه از مضمون تبلیغ و ترویج وسک کار کمونیستی ای نشأت میگیرد که سازمان ما در پیش گرفته است. این نه تنها موجب گسترش جدی توزیع نشریات سازمان، افزایش خوانندگان آن و دام زدن به ابتکار و آگاهی انقلابی و کمونیستی در سطح توده ای میگردد، بلکه یکی از راههای بسیار مهم اجرای شعار "عطف توجه به بیرون"، در آمدن سازمان در خود در خارج از کشور، تبلیغ و ترویج در میان توده های بنا شده کم مغفلان در محیطهای محدود و دانشگاهی حضور پیدا نمی کنند بوده و مسائلی برای سازمانگری شده ای است.

غیر از موارد بالا در گسترش توزیع نشریات سازمان بعنوان وظیفه روتین و روزمره، حزبی هر عضو سازمان که حلقه اصلی است، راههای دیگری را هم میتوان شمرد که بیشتر از جنبه های فنی و استفاده از امکانات موجود در محیط فعالیت در سازمانی مورد نظر است.

ب- استفاده از امکانات موجود در محیط فعالیت در خارج

در شهرهای بزرگ کشورهای اروپائی که معمولاً محل تمرکز وسکونت بنا هندگان و دانشجویان ایرانی هم هست، کتابفروشی ها و با روزنامه فروشی ها شی وجود دارند که محل مراجعه سنتی جبهه های آن کشور و محل تردد ایرانیان مترقی و دمکرات است. غیر از این راههای اخیر ما موج وسیع بنا هندگی، کتابفروشی های صرفاً ایرانی در بعضی از شهرهای اروپائی و امریکائی توسط عناصر مترقی و دمکرات داد برگزیده اند، که حاضرند در مقابل واگذاری در صدی از قیمت نشریات و کتابها، به عرضه آنها بسا بپردازند.

در اغلب کشورهای اروپائی و حتی در عقب مانده ترین آنها مانند ترکیه، یونان و پرتغال شرکتی بزرگ بخش و توزیع مجلات و روزنامه ها وجود دارند که اغلب بلحاظ گستردگی مثل تراست های بین المللی عمل میکنند. هزاران نشریه بزرگ و کوچک که در این کشورها، روزانه، هفتگی و یا ماهانه منتشر میشوند، سازمان و بزه، توزیع و پخش ندارند و اکثریت آنها ساقا در به داشتن چنین سازمانی توزیعی نیستند. مثل نشریات کوچک چپ و یا نشریات غیر معروف بورژوازی، که همگی از طریق همان شرکتی توزیع و پخش در سطح کشوری و بین المللی پخش میشوند. مثلاً در روزنامه فروشیهای

مرکزی و مراکز راه آهن هر شهر اروپائی، نشریات بزبانهای مختلف از جمله یکی دوشتر به فارسی زبان که از طریق همین شرکتها توزیع میشوند یافت میشوند. رفقای ما که در همه شهرها و کشورهای اروپائی حضور دارند و سعی توانستند داشته باشند، می بایستی از این امکانات که در سالاتر دسترس برای توزیع نشریات سازمان استفاده کنند.

اگر بخوایم بصورت مواد بر بنا به ای انگال گوناگون توزیع و فروش نشریات سازمانی را بر اساس الویت و اهمیت فرموله کنیم، چیزی شش ماهه موارد زیر خواهد بود. روشن است که رفقا به استکار خود و با ملاحظه، ویژگیهای محل فعالیت حوتی سه این موارد می توانستند بیفزایند:

- ۱- آبرونه، مستقیم، فردی بعنوان وظیفه روزمره و روتین حزبی
- ۲- برقراری میزبلیفی و فروش نشریات در مراکز شهرها و محلهای تردد ایرانیان و در دستگاها که تا بحال هم تا می شده و هنوز هم بعنوان یکی از مراکز سنتی جبهه انقلابی با بد حفظ گردد.
- ۳- سیردن فروش نشریات به کتا بفروشی و روزنامه فروشی ها، در مقابل درصدی از فروش.
- ۴- توزیع از طریق شرکتی بزرگ، حتی در سراسر اروپا و آمریکا در روزنامه فروشیهای مرکزی و بین المللی شهرهای بزرگ.

بازتاب صدور فتوای

قتل سلمان رشدی دروین!

بدنبال صدور فتوای قتل سلمان رشدی که به افشای هر چه بیشتر اهت تروویستی رژیم جمهوری اسلامی منجر گردید، در اثرش نیز اقدامات افشاگرانه ای از طرف افکار مترقی این کشور بخصوص نویسندگان و هنرمندان و بهمت برخی از افراد مترقی ایرانی انجام گرفت. یکی از این بر نامه ها برگزاری یک شب سخنرانی و قرائت بخشائی از کتاب مزبور بود که سلطت تهدید به سب گذاری و قتل برگزار کنندگان این بر نامه از طرف عوام مسل سفارت ایران و مرتجعین عرب، افغانی و تترک مقیم وین لغو گردید.

پس از آن در اعتراض به هتک حرمت آزادی بیان و قلم و اندیشه و فشا ر افکار مترقی اتریشی و خارجی از طرف برخی احزاب اتریشی، PPO و ÖVP و سیزها بطور سمبلیک در برلمان اتریش بخشائی از کتاب مزبور خوانده شد و بلاخره در روز ۵ ماه مه در جلسه دادگاه وین جلسه قرائت بخشائی از کتاب "آیه های شیطان" بوسیله ایرانیا مترقی و نویسندگان مترقی اتریشی و با شرکت نمایندگان احزاب اتریشی برگزار گردید. در این بر نامه که با حفاظت بیش از ۲۵۰ پلیس انجام گرفت عناصر حزب اللیبی به دادن شعارهای از جمله "مرگ برلمان رشدی..." پرداختند و نماز شب خود را در آن محل برگزار کردند!

توده‌ای‌ها و

"سکتا ریسم" ما

گل‌سرخ نشریه‌ها و اداران حزب توده ایران در خارج از کشور، در شماره‌های با نژدهم فوریه ۱۹۸۹، با درج نوشتاری به بررسی اجمالی و نقد دیدگاه‌های "پیام کارگر" در رابطه با "اتحاد عمل" و سبزه "اتحاد" برای دفاع از زندانیان سیاسی "برداخته است". شکل برخورد و نیز مضامین مطرح‌ده در این نوشتار، حاوی نکاتی است که آثار تاریخی به نادرستی و ناسا-مربوطی آن نکات را ضرور می‌داند.

نوشتار به سبب قیام همیشگی حزب توده، سرشار از پیرایه‌های فرهنگی "توده‌ای" است، فرهنگی که عوام‌فریبی سیاسی هسته‌ای اصلی آنرا تشکیل می‌دهد. در این نوشتار، و با سواستفاده از آموزش‌های لنینی به ما با عتاب پندآموزی شده است که در تئوری از کج‌اندیشی‌های ذهنی "و" دنیای تحریکات "کونا با شیم" و "تئوری‌ها و تحلیل‌های علمی و انقلابی" - بخوان "تئوری دفاع از امام‌رضا میرزا لیس" - را مبنای تدوین خطوط سیاست روز خود قرار دهیم و احساس مسئولیت بیشتر نیز در قبال جنبش انقلابی کشور - ما ن بکنیم... !!

اگرچه اینگونه برخوردهای بی‌مبارزه‌ها از سوی حزب توده بی‌سابقه نبوده و نیست، اما حدیسی انصافی و کج‌اندیشی، آنهمی از آن همه رویدادهای فاجعه‌آمیزی که حزب توده نقش مهمی در بروز آن داشته، برآستی که شمول و راست‌حزبی که بخش اعظم رهبران و به تبع آنها بخشی از نیروها و پیش-دوستان و عملکردهای بارگاه‌های از مدعیان ترین، ضد انقلابی ترین و ضد بشری ترین حکومت تاریخ شدند چگونه بخود اجازه می‌دهد که دیگران را به "مؤرخین" "تئوری‌ها و تحلیل‌های علمی و انقلابی" و "احساس مسئولیت بیشتر" فراخواند. آیا اینگونه روشها جز اینکه آدمی را به "سنگ‌باری قزوین" بیادنازد و بر تلخی طنز تلخ و سیاه حضور چنین جریانی در جنبش بیافزاید، منشاء اثر دیگری خواهد بود؟

در این "نوشتار" اجمالی "نویسندگان" نشریه گل‌سرخ علاوه بر ارائه‌های دیگری از فرهنگ "توده‌ای"، ما را به دلیل با یکوت حزب توده سکتاریست خوانده‌اند. اینان به ما توجه داده‌اند که نقد ما به سیاست اشتراکی کومله و شرط اشتراک سیاسی کومله با ما، در واقع نقدی است که میباید به مبنای اشتراکی خودمان نیز داشته باشیم، چرا که به اعتقاد نویسندگان گل‌سرخ راه‌کارگر نیز همان مبنای کومله را، کسکه سکتاریستی میخواند، خودبیکار می‌بندد. روی این تحلیل و ارزیابی کمی مکتب می‌کنیم تا مصلحت‌روشن تر شود.

سیاست اشتراکی ما در رابطه با سازمان‌های سیاسی مختلف و مبنای ما در چارچوب تشکلهای سیاسی دمکراتیک در حال حاضر روشن است. سبزه در رابطه با حزب توده دلالت و معنی‌های مان نیز روشن است: ما در حال حاضر با نیروهای که با دور زبیم - سلطنتی و فقهی همکاری کرده‌اند، نه ارتباط برقرار

کرده‌اند و اشتراک می‌کنیم و نه حتی یک لحظه از افشای بی‌امان خیانت‌های آنها کوتاهی می‌کنیم. مگر اینکه بطور علنی از اعمال خیانت با خود انتقاد کنند. سبزه این سیاست در مورد حزب توده کسکه فریب دودخت طلسمی اش چیزی جز برخورد های روان - شنا سانه و پراگماتیستی برای خروج از انزوای نیست، صدق می‌کند. آنهم در شرایطی که بحران تمام تا رو بود حزب با اصطلاح "تراژدی" را فرا گرفته است، فشار سیاسی ما به تقویت نیروهای مستعد و با لقاوت آن و انزوای خط مشی و رهبری خیانت‌پیشه اش می‌انجامد.

بنا بر این معیارها روشن است و با سواستفاده از خون شهدا، و به رخ کشیدن "کمیت" نمی‌توان برای اشتراک سیاسی مشخصی معیار تراشید، چرا که ضمن ابراز احترام و معیق به شهدای جنبش، با بدبگوئیم این معیارها را "ولی فقیه" هم‌دارد. مسأله در گذشته نیز اعلام کرده ایم که با یکوت نیروهای سیاسی در رابطه با اشتراک سیاسی را هر سبب نمی‌دانیم.

اما در شرایط مشخص و نیز در رابطه با نیروهای معینی، با یکوت را حرکت مشخص سیاسی و انقلابی می‌داند. در مورد حزب توده، بدلائلی که گفته شد حرکتمان چنین ویژگی‌ای دارد، حزبی که بحسب اعتقاد ما بر ما مضمون انقلابی حمایت از رژیم فقهی کماکان ادعای "علمی و انقلابی" بودن تحلیل خود را دارد و، یعنی هنوز دم خود را به مسند حکومت اصنام خدا میرزا لیس می‌بندد، و با زحمات در رسیدن بدنیال نیروی متحد در میان حکومتیان می‌گردند و در نتیجه صلح و آزادی "خودکری خالی" نیروهای پیرو مونی حکومت "را برای آنها محفوظ می‌دارند، و اگر یکبار مسیر "پیروان" خدا میرزا لیس استام "را" فرس کردند، اینبار بطور سراسر است با سینه زدن برای بورژوازی در "جبهه صلح و آزادی" راه را برای آنها آب و جارو می‌کنند.

اما بحث ما با کومله بر سر چیست؟ کومله اشتراک سیاسی با ما را مشروط به سیاست اشتراکی ما با سایر نیروها، و از جمله قطع مباحث مطرح‌ده از سوی ما در رابطه با سازمان فدائیان خلق ایران، می‌کند. ما چنین درک و مبنی ای را سکتاریستی می‌دانیم، چرا که مشروط کردن این یا آن سازمان به سیاستهای اشتراکی خود، هسته اصلی این درک و مبنی است. آنهم در رابطه با سازمانی که نسبت به عملکردهای خیانت‌بارش دست به اشتقاق علنی زده است. در واقع بحث ما با کومله، بحث بر سر رابطه با نیروی است که از "تئوری‌ها و تحلیل‌های علمی و انقلابی" خیانت‌باری دفاع نمی‌کند و آنرا علنی اعلام نموده است. حالا، کجای این بحث با نکات مطرح‌ده از سوی "توده‌ای"ها خوانائی دارد، که نویسندگان گل‌سرخ با تاکتیک "خلط مبحث" تلاش می‌کنند از این نمند برای خود کلاهی بسازند؟ حزب توده میگوید که ما هم آنها را بدلیل تحلیل‌شان و سیاست اشتراکی‌شان با یکوت کرده ایم و ما هم در این رابطه با نویسندگان اشتراکی آنها مربوط به اشتراک درون نیروهای اپوزیسیون نبوده بلکه قر! رگرفتن در خدمت ضد انقلاب حاکم بوده، بجای آنی از صف انقلاب به ضد انقلاب بوده و البته این برای حزب توده اتفاقاً و مبنی

ندارد چون هنوز دل در گرو همان حکومت دارد! نویسندگان گل‌سرخ، برای آنکه نشان بدهند راه‌کارگری‌ها معیار طبقه‌ای، سیاسی و تاکتیکی برای اشتراک‌های خودنداردند و این رابطه هم به "تئوری‌ها و تحلیل‌های علمی و انقلابی" تکیه‌دارند! سبزه اصطلاح "صح‌گیری" کرده‌اند و در مورد نیروهای پیشین راه‌کارگر برای اشتراک‌های سیاسی و نیز سبزه دمکرات گردستان نکاتی را طرح نموده‌اند. "توده" ای‌ها با تکیه به همان فرهنگ برای عقیده‌اند که آنها تنها خیانت‌کرده‌اند، بلکه در میان نیروهای پیشین راه‌کارگر، نیروهای دیگری که خیانت‌کرده‌اند، حضور دارند! و با زحمات فراموش می‌کنند که اگر بر فرض هم چنین نیروی وجود داشته باشد، دست به اشتقاق زود زده، و این برای ما معیار رگم‌همیتی نیست.

در رابطه با حزب دمکرات گردستان نیز نویسندگان گل‌سرخ از اینکه حزب دمکرات در مجموعه نیروهای پیشین‌دهی نیست، دچار مسئله شده‌اند!! اینک چرا حزب دمکرات در این مجموعه نیست، روشن است. ما در اشتراک‌های سیاسی خود، اصل را بر عقیده دانستی نمی‌گذاریم، اصل بر تاکتیک و فعلیت سیاسی و وضعیت مشخص نیروی مورد اشتراک است. و بنا بر این این لیست نیروهای مورد اشتراک در همه حال ثابت و یکسان نیست. اما این حرف بگوش کما شیکه بی‌سواستفاده از "افشا خود را بدست‌خورد بورژوازی" محبوب "بعنوان متحد طبقه‌ای و ذاتی می‌دهند و همیشه بدنیال قدرتمندان" و "نیروهای برعهده" روان‌سند، نخواهد رفت و طبقه غیر علمی و غیر طبقه‌ای جلوه‌گر می‌شود.

معیارهای ما برای اشتراک سیاسی روشن است، درست به همان اندازه که علت عدم پذیرش اشتراک با حزب توده ایران از جانب ما واضح است، و بحث ما با کومله نیز، بحثی است جدا از آنچه که "توده‌ای"ها به ما می‌دهند، استفاده به آن متشبث شده‌اند. البته ما نگران این نیستیم که توده‌ای‌ها ما را سکتاریست می‌نامند، چرا که امروزه همگان، حتی نویسندگان گل‌سرخ، میدانند که در قیام موس و فرهنگ "حزب توده" مفاهیم و مقولات در شکلی متضاد با اصل و فعلیت خود بکار می‌روند. در این فرهنگ، علم در اصل و فعلیت خود همان ضد علم است و ضد انقلاب نیز همان انقلاب است. بنابراین تردیدی نیست در این منطقی ما هم میتوانیم و با بدسکتاریست باشیم!

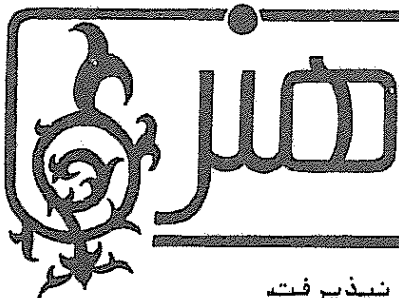
آلمان فدرال - بن

کنفرانس در افشای رژیم اسلامی

بدموت‌ها و اداران سازمان ما و گروه‌ها و مریانه یک نشست در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ در شهر برن برگزار شد. این برنامه شامل سخنرانی درباریه وضعیت حکومت اسلامی و ده سال حکومت سیاه آن و نمایش فیلم بود.

تصحیح و پژوهش

در نقد "تر" شما ما هیجا... منتشره در شماره ۴۱ در صفحه ۱۰ با راگراف سوم سطر سوم کلمه "علی" به اشتباه "علمی" چاپ شده است که تصحیح می‌گردد.



تازه‌های فرهنگ و هنر

استاد عبادی جایزه را نپذیرفت

موسی رنگناهی، استاد موسیقی بلوچی، در شب اعطای جوایز، استاد عبادی، آنگاه که جایزه دکتری خویش را به همراه دسته‌گلی از مسخک دریافت نمود، آنرا همانجا بر روی صحنه گذاشت و صحنه را ترک نمود. گردانندگان برنا مهر قفسدر مدایش کردند تا استاد جایزه‌اش را به این خیال که فراموش کرده، بردارد ولی عبادی حتی به صدای آنان نیز بی‌توجهت و ضحاکت جایزه‌روی دست رژیم ماند. استاد عبادی که دیگر مردی است بی‌روفرسوت فردی است صاحب سبک دریدا هنرنوازی سنا روجیره دست‌ترین شخص در این عرصه، او فرزند عباد اللہ خان از دیگر استادان موسیقی ایران است. هنگامی که عبادی نماز عمارت محنت‌تار لوحات را ترک میکرد، تعداد دکتری از مردم حاضر در تالار رودکی از عکس العمل او در قبال جایزه افتخاری رژیم، انگ‌تک‌تک از دیده‌فرو ریختند و به استاد آفرین‌ها فرستادند.

معرفی نشریه

"بهارانه‌های فصل سرد" تا یک نشریه فرهنگی، هنری، اجتماعی است که در جنوب سوئد از جانب دست‌اندرکاران ایرانی منتشر میشود. شماره ۲ این نشریه که تاریخ اردیبهشت ۱۳۶۸ را دارد، شامل یک مقاله درباره انقلاب انورما تیک و تانیران سربازارکار، یک مقاله کوتاه درباره سازهای ارکستر سمفونیک، آثار ازیلیخا نف (هنر و زندگی اجتماعی) و کورت توخولسکی (قصه کوتاهی ما هیگبریا تقوا)، منظومه‌ترانه‌ای سرکاره تنبید از حسن حسام‌اشعاری از ساحل نشین، سینا، انوش و جویا است. چهار طرح از اندیشه محسن زینت بخش این شماره نشریه است.



"کانون نویسندگان در تبعید"، نخستین خبرنامه خود را منتشر ساخت، و هدف از تهیه آن را "دادن آگاهی از کج‌کیدی فعالیت‌های جاری کانون و نیز فراهم آوردن زمینه‌ای برای بیان فتنه‌زده‌ی فعالیت‌های فرهنگی اعضای آن" اعلام نموده است.



فانوس نشریه فرهنگی کانون ایران با لندن که شماره اول آن منتشر شده است، شامل اخباری از "تازه‌های فرهنگ و هنر"، گفت‌وگوها و نویسندگان ایرانی، نقد فیلم و آثار از اشعار ایران از جمله شاملو، خوشی و... است. این نشریه در ۵ صفحه و به قیمت ۲ پوندا انگلیسی است.

او خراسال گذشته، رژیم پس از آنکه کشف نمود میثواندا زهرنیز برای "تبلیغات اسلامی" استفاده کند، بر آن شد تا زهرمندانی که خاسته نشینشان کرده بود به طریقی دلجوئی کند. رژیم اعلام نمود که برای هنرمندان نمره‌ای در نظر گرفته میشود که این نمره با مدارک دانشگاهی هم‌تراز و هم‌ارزش خواهد بود. بر این اساس اعلام نمود که به تن از نام‌آوران موسیقی ایران دکترای افتخاری اعطاء خواهند نمود. ده‌تنی که چه بسا بعنوان "مطرب" و "تسرس" از دستگیری... نه تنها خویش بلکه آلت موسیقی خویش را نیز مخفی نموده بودند. این ده نفر عبارت بودند از: احمد عبادی نواز زنده‌ساز، جلیل شهنواز نواز زنده‌ساز، حسین قوامی، استاد آواز سنتی ایران، علی اصغر بیاری، نوازنده کمانچه، جواد معروفی، نوازنده پیانو، حسن کسایی، نوازنده نی، عثمان محمدپرست، نوازنده دوتار (ساز معمول در شمال و شمال شرقی ایران)، کامکار، موسیقیدانسی از کردستان، سلمی، آهنگساز و نوازنده آذربایجان.

محکومیت زندان برای یک فیلمساز

علی اوزگن از مشهورترین فیلمسازان ترک است که از فیلم "ها زال" و "اسب شهرت جهانسی" کسب کرده‌اند. این فیلمساز اخیراً فیلمی ساخته بنام "آب هم‌تنی میسوزد" که اقتباسی است از یکی از آثارناظم حکمت، شاعر مشهور ترک. رژیم ترکیه "اوزگن" را بخاطر سخن این فیلم، به اتهام "جریحه‌دار کردن احساسات ملت ترک و تشویق آنها به قیام" بیای میزما که فراتر از حد است. بر طبق قوانین ترکیه اگر "اوزگن" در دادگاه محکوم‌شده‌اشته شود، دو سال باید زندانی گردد.

این عمل رژیم ترکیه موجی از اعتراضات جهانی را بدینال داشت.

برنامه هنری بمناسبت اول ماه مه فرانکفورت: کانون فرهنگی لاهوتی روز ۲۹ آوریل بمناسبت ۱۵۳ مین سالگرد اول ماه مه یک برنامه هنری ترتیب داد. این برنامه شامل اجرای تاتر ترس و تکیت رایش سوم اثر برتولست برشت، شعرخوانی توسط سعید یوسف و چند ترانه و سرود بود که مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت.

نمایش تقابل‌تدررها میورگ

بتاریخ اول آپریل بدعوت کانون فرهنگی ایران - آلمان نمایشی درها میورگ به اجرا درآمد. نوشته بهرام بیخانی کار علی اصغر سگریان، سلنرکاری از گروه نمایش تار بود.

برگردان: م. بیوند

پیش‌نمادی

نقش بسته بر بال‌های تاریکی

نقش بسته بر بال‌های تاریکی

- جنگلی

که سایه‌های قهقهه‌زن

در آن می‌رویند.

بی‌گناهی

کوه‌رشته‌ی لاجوردی بود

که در منظر پاپیزی لرزید.

پرنده‌های خسته

در شب

بال می‌زند

هنگام که لاشخوران

به چشم‌های خالی غبار اندود

حمله‌ور گشتند

بی‌گناهی او

یکی خورشید بود

که در رویاهاش با او سخن می‌گفت

و شب

استفراغ خون می‌کرد

باران بود و باران

و نجوای ستارگان

اجساد روی هم انباشته

و بیم و همناک

گر سنگی

ستاره‌ی سپید بال مرگ را

شکار می‌کند

سپید

آتش است

در مشت من

مشتی به سان زنبق

و

کلامی نامده بر لب

که نقش بسته بر بال‌های تاریکی

به سان بال‌های پرنده‌ای درخشان

درون شب.

مما حبه با : نماینده کنگره ملی افریقا

توضیح :

رفقای ما در سوئد با نماینده ANC در آن کشور
مما حبه ای انجام داده اند که بحث اول آن در این
شماره بنظر خوانندگان میرسد.

س : ممکن است تاریخچه کوتاهی از ANC را برای
خوانندگان ما توضیح دهید؟

ج : کنگره ملی آفریقا (ANC) در سال ۱۹۱۲ برای
اتحاد سیاه پوستان در جهت مبارزه با ناپا بریها
تاسیس گردیده شد. در آن زمان کنگره ملی آفریقا
با اشاره به مسئله مالکیت زمین که توسط استعمار
گران انگلیسی به اقلیت سفیدپوستان اعطاء
شده بود، گفت: سیاه پوستان (یعنی اکثریت ساکنین
آفریقای جنوبی) نمی توانند کناری بنشینند و کشور
خود را به اقلیت سفیدپوستان واگذار نکنند.

در این مرحله مسئله عمده گرد هم آوردن سیاهان
حول مسئله زمین بود. بزودی شرایط سیاسی نشان
داد که نقطه شمرکز بر روی سیاهان در کشوری که نژاد
های مختلفی از جمله هندی ها و مولوکوها هم در آن
زندگی میکنند، ادامه کار را مشکل میسازد. آنها نیز
مشکلات خاص خود را در رابطه با رژیم سرمایه داری
دارند. ما می بایست راهی برای شرکت توده غیر
سیاه هیوست در جهت بوجود آوردن یک جامعه دمکراتیک
غیر نژادی می یافتیم.

یکی از مسائل اساسی اتحادیه های کارگری
بوده و می باشد، اتحادیه های کارگری سفیدپوستان
توسط کارفرمایان و دولت مورد پذیرش بودند.
عضویت در اتحادیه های کارگری برای سیاه پوستان
حتی مجاز نبود. برای سانهای طولانی کارگران
سیاه هیوست مشابه بزرگ کار در منازعه ها بودند.
سیستم طوری بوده که اتحادیه های خارجی سفید،
کارفرمایان و دولت با تفاق توافق کرده بودند که
سیاه پوستان را در مذاکرات خود حساب نیاورند.
بنابراین کارگران سفیدپوست عزیز ما بر علیه
ما سازمان یافته بودند تا شغل خود را در مقابل ما
حفظ کنند! ما می بایست با این مسئله مبارزه
می کردیم. هنوز هم هستند اتحادیه های که عضویت
کارگران سیاه را تحمل نمی کنند. در سالهای
۵۰ هر گروه نژادی جدا گانه به سازماندهی خود
پرداخت. سیاهان در ANC، هندی ها در کنگره هندی-
ها، رنگین پوستان در کنگره خود و سفیدپوستان
مترقی در حزب کمونیست و کنگره دمکراتیک متشکل
شده بودند. این بدان علت نبود که ما طرفدار جدائی
نژادی در مبارزه بودیم، بلکه بطور تاریخی این
تنها راهی بود که وجود داشت. با لایحه کنگره متحین
شامل سازمانهای مختلفی که در برابر مردم به

علاوه اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی بنام
"ماکتو" تشکیل شده همکاران در سطح رهبری آغاز
گردید. اما هنوز در سطوح پایین تر تسلط وجود
سیستم ناپا بریهی درجا معده که باعث جدائی
نژادهای مختلف در عرصه های گوناگون زندگی بود
بسیار مشکل بود. در سال ۱۹۵۵ در کنگره ای
برگزار گردید که طی آن "بیانیه آزادی" که سند
بایدی راهنمای جنبش ما است، به تصویب رسید.
کنگره متحین هنوز هم با مشکل جدائی نژادی مواجه
بود که ما را مجبور کرد تا راهی ساخت. ما به یک
تشکیلات غیر نژادی نیازمند بودیم تا برای بیان
ناچار به یافتن فورمولی بودیم که طبق آن مشارکت
همه گروههای نژادی را فراهم کنیم. این از نظر
سیاسی بسیار مهم بود زیرا ما نیازمند یک تجربه
مشترک بودیم. من سیاه و شما سفید. در آفریقای
جنوبی سیاهان و سفیدها تجربیات مشترک ندارند.
هرگاه من سیاه هیوست دستگیر شوم، شکنجه و تحقیر
میشوم، اما به یک سفیدپوست تا بدحتی دستبند هم
نزنند. شما سفیدپوست در خانه های زندگی میکنید
که استخر دارد. من سیاه هیوست حتی نمی دانم استخر
چطور چیزی هست! اینها برای هر کدام از ما نقطه شروع
مختلفی برای تحلیل و ارائه راه حل داریم و این بر
تحلیل ما از شرایط تا شریک میگذارد.

ANC تلاش کرد تا همه افراد را از
تعلق نژادی شان به گروههای نژادی خاص، در امر
مبارزه مشارکت دهد. البته این بدان معنی نیست
که سیاهان بیشتر از بقیه نیستند. زیرا ۷۵٪ جمعیت
این کشور سیاهان تشکیل میدهند و این طبیعی
است که آنان برتری را در ANC هم دارا میباشند.
بالاخره در کنگره مشورتی در ژانویه سال ۸۲ ورود
همه گروههای نژادی به ANC تصویب گردید و این
بیشترت بزرگی بود زیرا ما حالا میتوانیم به آفریقای
جنوبی از یک نقطه نظر نگاه کنیم و پرسپکتیو
ایدئولوژیک یکسانی داشته باشیم.

امروز ANC یک حزب نیست. ANC یک جنبش
توده ای دمکراتیک است که هر کس که به حداقل هدف
ما یعنی سرنگونی رژیم ناپا بریهی و بنیان گذاری
یک آفریقای جنوبی دمکراتیک بدون تبعیض نژادی
معتقد است، میتواند به عضویت کنگره ملی آفریقای
جنوبی درآید. شما میتواندید محافظ کار، لیبرال
مسلمان، مسیحی و... با شیدو به این حداقل اعتقاد
داشته باشید. در حال حاضر ما برای قدرت گیری
اجزای خود نمی جنگیم زیرا در آن صورت مبارزه را
برای این هدف حداقل فراموش خواهیم کرد. اما
آنگاه که به این هدف دست یافتیم روزی فرا میرسد
که بگوشیم چه حزبی را نمایندگی میکنیم و برای
قدرت گیری آن می جنگیم. این مردم هستند که آن

روزها بدتکلیف این مسئله را روشن کنند. ما باید
آنها بگویند ما هیچ حزبی را نمی خواهیم و میخواهیم
که ANC به یک حزب تبدیل شود. امروز هستند
بسیاری از دوستان ما در خارج که میل دارند ما
طبق الگوی معینی از یک حزب معین پیروی کنیم.
اما ما می گوئیم: اینکار را نخواهیم کرد. البته به
مشکلات این امر کاملاً آگاهیم ولی این تنها راهی
است که طی آن موفق به سرنگونی ناپا بریهی خواهیم
شد و آن روز که اینکار را به سرانجام رسانیم، این
تنها برعهده همه مردم آفریقای جنوبی و نه یک
حزب سیاسی است، که تصمیم بگیرد. بهر حال بخاطر
همین امر است که گاه ناچاریم حرکت و شدت مبارزه را
کنند کنیم. اما همه اینها به این معنی نیست که
ANC جهت ندارد. ما میگوییم یک آفریقای جنوبی
دمکراتیک بدون تبعیض نژادی میخواهیم. بنابراین
این مسائل مشخصی هستند که با بدریک رژیم دمکراتیک
اتیک انجام میدهیم. ما باید مسئله زمین و مالکیت را
در این کشور حل کنیم. ما باید مسئله رفاه را برای
عموم حل کنیم و اینها به شیوه سرمایه داری قابل
حل نیستند زیرا در نظام سرمایه داری زمین باید
در دست شرکتهای چندملیتی باقی بماند. ما باید
این مسئله را طوری حل کنیم که سرمایه های مردم
در دست خود مردم قرار گیرد. من نمی گویم که سوسیال-
لیست یا کمونیست خواهیم شد. من وارد این ترمینا
نمی شوم. اما می گویم کارهایی هستند که ما جهت
تأمین رفاه مردم باید بکنیم و شما می توانید هر
نامی بر آن بگذارید. این برای من روشن است
که شیوه فعلی قابل ادامه نیست. تنها ۱۲٪ زمینها
متعلق به ۸٪ جمعیت سیاه هیوست میباشند و این یک
تقسیم ناعادلانه و غلط است. یعنی ما باید به موقعیت
سرمایه داران استعمارگر نگاه کنیم. چطور می
میخواهیم این زمینها را از اینها بگیریم و به سیاهان
و مردم بدهیم؟ اگر شما بگوئید: "ما میتوانیم اینکار
را به شیوه سرمایه داری انجام بدهیم، من میگویم
این خیلی مشکل است. این غیر ممکن است. این
آشکارا است که اگر ما یک آفریقای جنوبی دمکراتیک
میخواهیم نمی توانیم سیستم تماماً دی کنونی را حفظ
کنیم. اگر شما اینرا سوسیالیستی می نامید، خوب
بفرمائید. دیر یا زود هر چه بیشتر از اعضای ANC بر
سرمواضع اصلی ما به توافق میرسند. ما داریم به
موقعیتی فراموشی که در آن از نظرا ایدئولوژیک
به یک پرسپکتیو مشترکی نزدیک میشویم.

امروز ما برای هیچ گروه نژادی امتیاز
خاصی را به رسمیت نمی شناسیم. ما همه بر سر یک فرد
یک رای داریم. اگر نژاد غیر نژادی، دموکراتیک -
سوسیالیستی اتفاق نظر داریم. سفیدپوستان
آفریقای جنوبی نخواهند توانست مثلاً در مجلس
کرسیهای مشخصی را به خود اختصاص دهند. فقط از آن
جهت که مثلاً ۱۰٪ یا ۱۵٪ جا معده را تشکیل میدهند.
این مردم هستند که رای میدهند و هر که رای آورده
مجلس میرود.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

خبری از ایران

۲۵ درصد مردم ایران
بیمار روانی هستند

● در میان انواع کنگره‌های رنگارنگی که هر روز در جمهوری اسلامی برپا می‌گردند، تا زه‌ترینش "کنگره زسلامتی بگو" است. در این کنگره توسط دکتر "نوربالا" معاون وزارت بهداشت رژیم اعلام شد که "در ایران آمارمردومی از بیماران روانی وجود ندارد اما با نتیجه‌گیری از آماربیماران روانی در نمونه‌های جمعیتی میتوان گفت ۲۵ درصد جمعیت مابقی حدود ۱۰ میلیون نفر مبتلا به انواع بیماریهای روانی هستند" و عوامی را که با عث گشته‌اند تا در ایران این مقدار بیماران وجود داشته باشد "جنگ، شامل جنگهای روانی-شیمیائی شهرها، مهاجرت، شرایط اقتصادی حاکم بر کشور" نام برد. وی همچنین کمیودمتخصص برای این امرایکی از عوامی را رساند دانست و گفت "در کشور ما حدود ۵ هزار تخت برای بیماران روانی در بخش خصوصی و دولتی داریم. در حالیکه یک درصد از مجموع بیماران روانی که دنیا ز مندیبه تخت بیماران در کشور هستند رقمی بالغ بر ۱۰ هزار نفر است" و ایسین در حالیست که در سطح کشور تنها "ده نفر دکتری روان شناسی و کمتر از ۵۰ نفر فوق لیسانس روانشناسی داریم که در مقابل تعداد بسیار زیاد بیماران است".

با اعلام این خبر یکی دیگر از دست‌آوردهای رژیم فقه‌ویکی از "خیرات جنگ خود زامی نمایند. در کنار این ده میلیون بیمار روانی، میلیونها بیمار غیرروانی از معلول و معیوب گرفته تا سکت و... را نیز با بدیه‌حما با آورد که هیچگاه در هیچ آمار رسمی گنجانده نمی‌شوند. بیماران که گره‌آملی بیمارانشان حاصل از موجودیت رژیم دست‌آوردهای آن می‌باشد.

چند خبر کوتاه

● بین یک شرکت ایتالیائی و دولت جمهوری اسلامی قراردادی به مبلغ ۱۲۵ میلیون دلار منعقد گردید که طی آن این شرکت ساخت قسمتی از تأسیسات پتروشیمی اراک را به عهده خواهد گرفت.

● طی مصاحبه‌ای، وزیر اطلاعات رژیم اعلام داشت که صدها تن بجرم جاسوسی برای آمریکا طی هفته‌های گذشته در ایران دستگیر شده‌اند از جمله سرهنگ بهرام ایکانی، سرشیب دوم اردشیر اشرف، سرهنگ علی کیلانی، سرهنگ مسعودی بائی، ناخدا یکم تورج ریاحی، ناخدا یکم قهرمان ملک زاده، دریا داروم کیاوش حکیمی، دکتر آقائی کاشانی و زرتار خاچه، مهندس دیده‌ور کارشناس وزارت نفت، مهندس امیرکامند پتروشیمی شیراز، دکتر آذردو کتر حشمت‌الله مقصودی و کلادو دکستری، بنا به اظهارات زرفستجانی دستگیریهما هنوز ادا می‌دارد.

● در جریان دیدارهای پندهای ایران با وزیران اطلاعات بحرین، طرفین حول زمینه‌های مشترک در مورد اخبار و اطلاعات و گسترش روابط به بحث و بررسی پرداختند.

● دولت انگلیس اعلام نمود که ۸۰ هزار ایرانی در انگلستان زندگی میکنند.

زندان برگردانده شده‌اند. به برخی از آنها مدت ۱۰ روز دیگر وقت داده شده است. آن تعداد از زندان نیانی که بدین طریق توانستند برای خود خا منی پیدا کنند نیز هر هفته با بد خود را به سپاه منطقه معرفی کرده و برگه تفتیش ۳ صفحه‌ای را برکنند که مطابق آن اطلاعاتی را باید در خصوص افراد داخل واحد و جلسه خود ارائه کنند.

متمم برای قانون اساسی

● می‌کنند که قانون اساسی را مورد تجدید نظر قرار دهیم. حضرات که در حال بحران حکومتی بیش از هر زمان در مانده‌اند بی‌فکری یکبارچه کردن سیستم اداری هستند اما موضوع اصلی که همان راه و احداث راه‌گز نمی‌باشد.

● بیروانی ساده‌تر، حضرات برای اینکه به بین بستهای خویش رادای قانونی بیوشا تندتا با حیلستی جدید برای فریب خلق بسیج کردند. متمم قانون اساسی را علم میکنند تا درینا ده سال رنگ خویش را لایوشا کنند. ده سال که طی آن به قول خودشان هیچ چیزی نتوانستند ندهند مردم بدهند.

گرانیه پیدا می‌کنند

● گرانیه و تورم طی ده سال حاکمیت فقیه‌ها، همچنان چهارسبه بیش می‌تواند. در طی این مدت هیچ جنسی قیمت ثابت نداشته است. هر تدبیر دولت در این زمینه نهایتاً نتایج سرما به داران و بازاریان تمام شده است. و در این زمینه علت را مردم عموماً خود دولت میدانند چرا که بدرستی فهمیده‌اند که رژیم ضرر مدافع نظم سرمایه‌است. دولت اخیراً برای چندمین بار اعلام کرده که از این پس بر خوردقاطع در این مورد خواهد داشت و در این میان نرخ برخی از کالاها بدین قرار است: برنج درجه یک کیلوئی ۱۰۰ تومان، درجه دو ۸۰ تومان، گوشت کیلوئی ۲۷۰ تا ۳۰۰ تومان، بیاز کیلوئی ۷۰ تومان، سیب زمینی کیلوئی ۵۰، نخود کیلوئی ۵۰ تومان، پنیر کیلوئی از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان، یک جفت کفش بالای ۱۰۰۰ تومان، جوراب بالای ۱۰۰ تومان، مرغ ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان و... سکه آزادی ۱۲ تا ۱۳ هزار تومان.

● در همین زمان قیمت ارز در بازار آزاد بدین قرار است. یک دلار ۱۱۹۵ ریال. یک مارک آلمان غربی ۶۳۵ ریال و یک پوند انگلیس ۲۰۲۰ ریال. لازم به تذکر است که طی سالهای گذشته چندین بار دولت خود، نرخ برخی از کالاها را بالا برده است که از میان آنها میتوان برق، پست، تلفن، سیکار، شکر، بنزین، نفت و فراورده‌های آن، مرغ و گوشت و... را نام برد.

● در دوره اخیراً زندانیانی که مشمول "آزای" شدند، تعهد گرفتند که ظرف موعده ۱۵ روزالی ۱ ماه با یکدیگر را بعنوان ضامن خود معرفی کنند در غیر این صورت به زندان برگردانده خواهند شد. از جمله بدلیل دشوارتر کردن شرایط ضمانت (یعنی در صورت فرار زندانی از کشور، دستگیر و زندانی کردن ضامن وی) بسیاری از آزادگان نتوانستند برای خود ضامن پیدا کنند و بدین ترتیب چندین نفر دوباره به

● هیئت ۲۵ نفره که از جانب خمینی مامور اصلاح قانون اساسی شده از ششم اردیبهشت کار خود را شروع کرد. در اولین نشست این هیئت مشکینی را بعنوان رئیس و فرستجانی و خا منهای را بعنوان شواب رئیس و شیخ محمدزادی و دکتر حسن حبیبی را بعنوان منشی‌ها انتخاب کرد. در این جلسه که احمد خمینی هم شرکت داشت خا منهای گفت که تدوین کنندگان قانون اساسی که تجربه‌ای در کار ندارند کشورنداشتن، با تجربه، تلخی که از تمرکز نیروها در رژیم گذشته مواجه بودند، قانون اساسی را بگونه‌ای تدوین کرده‌اند که در آن سازماندهی نیروها به سمت برکنندگی در وظائف و عدم تمرکز قدرت باشد. اکنون این ضرورت در دوران بازسازی ایجاب

طرح جدید برای مبارزه با
"بدحجابی"

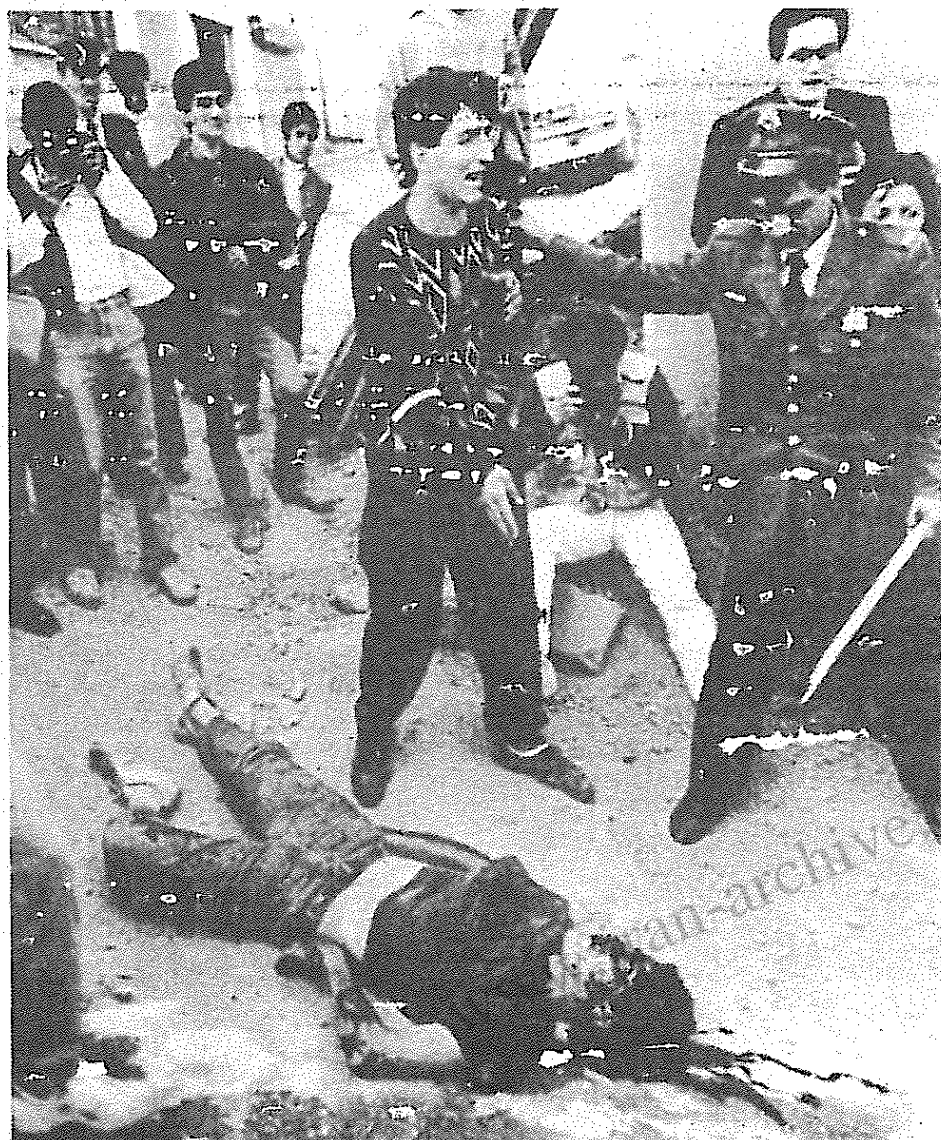
● بدنبال اولتیماتومی که چندی پیش از طرف "شورای امنیت" رژیم فقهی مبنی بر "لزوم مبارزه قاطع با بدحجابی و بی‌حجابی" اعلام شده بود، از طرف رژیم "شعزیرات طرح مبارزه با بدحجابی" تصویب و از اول اردیبهشت قابل اجرا اعلام شد. برخی از مواد این طرح به طیفه بندی و تعریف انواع بدحجابی که مشمول جلب و تحویل به مقامات قضائی "میشود عبارتند از: "بیرون بودن بخشی از سوی سر، آرایش صورت با استفاده از رژ لب، سایه چشم، استفاده از لباسهایی که قسمتی از بدن را پوشانده، استفاده از لباسهای توری و نازک بدن نما، استفاده از شلوارهای تنگ بدون مانتو، استفاده از جورابهای توری پانما بدون شلوار یا شلوارهای کوتاه، استفاده از لباسهایی که دارای علامات و عکسها یا نوشته‌های زننده و خلاف اخلاق اسلامی باشد". در پایان این اعلامیه طی توضیحی "حدپوش شرعی" که خلاف آن مستوجب مجازات است و زندان و شکنجه و "شعزیر بدنبال دارد، چنین تعریف شده است: "حدپوش شرعی بیرون بودن قرص صورت و دستها تا مچ است، در مورد مردان نیز استفاده از لباسهای جلف که باعث عمومی منافات داشته و شما یا نگر فرهنگ استنبال باشد شامل است".

● این تهدیدها در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم "مبارزه با بدحجابی" را از روش کارهای خویش اعلام داشته است

اتریش - وین

ترکیه :

اول ماه مه خونین



در اعتراض به حمله مسلحانه عوامل رژیم دیکتاتور ترکیه به صفوف نظرات روز اول ماه مه که منجر به کشته، زخمی و دستگیر شدن عده زیادی شد، بدعت چند ساله زمان مترقی ترک، یکسری آکسیونهای اعتراضی از قبیل اشغال دفتر حزب سبزها، نظرات و راهپیمایی بطرف سفارت ترکیه و آتش زدن برج آبن کشور بزرگ ارگردید. در این آکسیونها که از روز دوم ماه مه آغاز شد علاوه بر سازمانهای انقلابی و مترقی ترک، سازمانهای مترقی و انقلابی اتریشی و ایرانی از جمله هواداران سازمان شرکت داشته و همبستگی خویش را با خلقهای ترکیه ابراز داشتند.

راهپیمایی روز اول ماه مه در وین

یکبار دیگر در صد و سومین سال اعلام روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر خورشید تولید حرکت استوارش میلیونی کار در اقصی نقاط جهان ضمن نمایش قدرت بیکران خویش، همبستگی طبقه کارگر در سراسر جهان را رسالتا زبیش فریاد کرد. در وین با سخت اتریش نیز از نخستین ساعات با صدای دکارگران در صفوفی منظم و فشرده رژه برشکوه خود را آغاز کردند. بهمین مناسبت هواداران سازمانهای مترقی و انقلابی خارجی نیز به راهپیمایی پرداختند و واحد اتریشی سازمان نیز در این راهپیمایی شرکت کرده و به بخش اعلامیه‌های در رابطه با روز اول ماه مه، افشای ماهیت رژیم در رابطه با مدور فرمان قتل سلمان رشدی و... مسأله درت کرد.

سفر به اتریش

چندان هم آسان نیست!

روزنامه استانبول در چاپ اتریش در شماره روز ۵ آوریل خود خبر کوتاهی را تحت عنوان "آخرین ایستگاه" سالین ترا نریت فرودگاه "درج کرد" است. مطابق این خبر روز سوم آوریل، ۱۳۲ نفر ترمه ترکیه

توسط گروهی قاچاقچی که مسلما بولهای کلانی از آنها گرفته بودند، وارد فرودگاه وین شده و توسط پلیس توقیف گردیدند. همان روز ۹ نفر از آنها توانستند تقاضای پناهندگی کنند، اما ۴ نفر به ترکیه بازگردانده شدند و بقیه بلا تکلیف ماندند. بعد از ظهر همان روز با هواپیمای بعدی که از استانبول پرواز کرده بود، تعدادی دیگر به آنها اضافه گردید. اینجا هم ۹ نفر از آنها به اردوگاه پناهندگان در وین انتقال داده شدند، اما اکثر آنها در همان بازجویی اولیه جواب منفی گرفتند.

استانبول درمی افزاید که "در وزارت خارجه اتریش تاکنون تنها یک اقدام صورت گرفته است: چاپ اوراق اطلاعاتی بزبان ترکی که می باستس در تابلوهای فرودگاه ترکیه نصب گردد. در این اوراق بزبان ترکی نوشته شده است، سفر به اتریش چندان هم آسان نیست!"

در جریان نظرات کارگران در شهر استانبول که مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر صورت گرفت، پلیس و نیروهای نظامی اقدام به شلیک به تظاهرات کنندگان نمودند. در جریان سرکوب خشن

ما دنیای دیگری می خواهیم

آلمان فدرال - کلن

همزمان با اول ماه مه، روز جهانی کارگر هزاران تن از کارگران شهر کلن، بدعت بزرگترین سندیکای کارگری آلمان، اقدام به شلیک راهپیمایی برتکوه نمودند. کارگران آلمان امسال در شرایطی روز جهانی کارگر را برگزار می کنند که مالی بر تحرک و موفق ریشت سرگذاشته اند. گسترش و شرکت بیشتر مردم در نظرات امسال نمونه ای است حاصل از این جنبش. آنان همصدا در این روز خوش برداشتند که ما علیه بیکاری بیست و دگرگونی جامعه، تجدید کار فرما و حق اتحادیه ها مبارزه خواهیم کرد. آنان فریاد برداشتند که باید برای تمام مردان و زنان جامعه کارفرما هم گردد و برای اینکار تحولات سیاسی درجا معالزم است.

کارگران، حداقل یک نفر کشته شده و تعداد درسیای مجروح و دستگیر شدند. دولت ترکیه اقدام نیروهای نظامی دفاع نموده و آنرا اجرای قانون ضد کارگری رژیم نظامی سابق نام نهاده است.

کارگران کلن که زحمتکشان و نیروهای مترقی آلمان و دیگر کشورهای آنان را همراهی می کردند در پایان راهپیمایی اعلام نمودند که: بیکاری شانس زندگی را از بین خواهد برد و گرسنگی جدیدی را بر جامعه تحمیل خواهد نمود و بیکاری کل جامعه را در هم می پاشد. بر این اساس ما مبارزه خود را در نوار دیزل برای دستیابی به دنیایی بهتر گسترش خواهیم داد:

- مبارزه علیه بیکاری

- توسعه و تحکیم حقوق کارگران و همچنین دگرگونی در سطح جامعه

- مقابله با اعمال خصمانه و فساد کارگری رژیم

- مبارزه قاطع برای تشنج زدائی، آزادی و خلع سلاح.

شرکت اعضاء و هواداران سازمان ما در این

نظرات نیز چشمگیر بود.

آلمان قدرال - فرانکفورت

آشوب حزب الله در محل سخنرانی!

وین - اتریش :

برای شامگاه روز ۲۴ آوریل به ایستگاه دانشگاه تکنیک وین و با همکاری "گرا ردرس" نویسنده مترقی اتریشی و دو تن از ابرانیان مترقی یک جلسه سخنرانی در مورد کتاب آیه های شیطانی نوشته سلمان رشدی تدارک دیده شده بود. اما از چند روز قبل مزدوران خمینی جنا پیتکا روفریب خوردگان سنیا دگرا با تلفن ونا میوزکا رکنندگان سخنرانی را تهدید به مرگ کرده و گفتند که در محل سخنرانی بمب خواهد گذاشت. سرگزارکنندگان و شکیست کنندگان بدون توجه به این تهدیدات در روز مقرر جلسه را آغاز کردند. اما مدتها از آغاز مزدوروفریب خورده محل سخنرانی را شغال کرده و وسایط و فریاد شعارهای مذهبی مانع از برگزاری سخنرانی گردیدند. بدین ترتیب اجبارا سخنرانی به جلسه دیگری موکول گردیده، ولی سرگزارکنندگان اقدامات تریسب خوردگان را محکوم کردند.

۵۰۰ نفر با اضا ۶ خطا بیه
اقدامات تروریستها را
محکوم کردند

پس از رسم خوردن جلسه سخنرانی ۲۴ آوریل بدلیل اشتغال محل توسط حزب الله، انجمن اتریشی "دوستاناران نویسندگان" (IG Autoren) خطا بیه ای را در محکومست اقدامات رژیم جمهوری اسلامی ایران در تجدید آزادی ها با اضا ۵۰۰ نفر منتشر نمود.

در سخنی از خطا بیه چنین آمده است :

"در تاریخ چهارم فوریه سال ۱۹۸۹، خمینی از همه مسلمانان جهان خواست تا سلمان رشدی نویسنده "آیات شیطانی" و همه آنها را کشتی که این اثر را منتشر میکنند، بید کرده و بکشند.

ما اضا کنندگان زیرا علام میداریم از آنجا که حق آزادی عقیده و بیان رسمی آن بگونه ای که در اعلامیه حقوق بشر آمده است موردناشید است. از انتشار این کتاب حمایت میکنیم.

برای ما فرقی نمی کند که محتوای کتاب را خوب یا بدیده ایم؛ میدانیم که این کتاب افراد زیادی را برانگیخته و از مناجره ای که در این راه را بده بیش آمده متناقصیم. زیرا که تلفات انسانی ناشی از آن زیاد بوده است. ما از جهان بیان میخواهیم که از حق آزادی بیان، نظر و عقیده انانها پشتیبانی کنند و با منتقدین خود با مدارا و بدون سانسور و تهدید و زور به بحث بپردازند.

از کما ن جهان میخواهیم که تهدیدات علیه سلمان رشدی و کما نیکه در سراجان به ما مسر انتشار اشتغال دارند را مردود شمرده و بطور فعال در این راستا عمل نمایند تا این تهدیدات بیس گرفته شود.

دفترها هنگی انجمن اتریشی دوستاناران نویسندگان



آزاد کردند، "قطع شکنجه، ترور و تبعیض نژادی" همکاری دولت آلمان با رژیم ایران محکوم است و... تکرار میگردند و جمعیت با تکرار مجدد آیه ها فریاد میزدند هر چه محکمتر با دهمیستی بین المللی، در بیان را هیما می قطعنا مه تظا هرات توسط نماینده DGB خوانده شد و تم اصلی و شعار اصلی راه پیمایشی امسال علیه سیاستهای ضد خارجی دولت آلمان بود. راهیما بیان بعد منظمنا به محل ساختمان DGB رفته و در آنجا نیز طی مراسم شکوهی بیه بزرگداشت اول ماه مه برپا ختند.

در حالیکه کارگران ترک و سایر ملیتها، در محل ساختمان DGB در فرانکفورت با ارائه فرهنگ و رقص های فولکلوریک مشغول شادی بودند، خیسسر تظا هرات خونین اول ماه مه در آستانه نیول که توسط پلیس و دولت فاشیست ترکیه سرکوب گشته و منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی جوان کارگر شده بود سه جمعیت رسید. حدود ۳۰۰ نفر از کارگران ترک خشکی از سرکوب و کشته شدن برادران خود در آستانه نیول بلافاصله در خیابانهای مرکزی فرانکفورت دست به راهیما می زدند و از روتنر خود را از دولت سرکوبگر ترکیه نشان دادند و بیه کشتا رکارگران اعتراض نمودند. پس از مدتی پلیس از ادامه تظا هرات خود بخودی و خشمگین آنها جلوگیری کرد.

اتحاد شوروی: اتحاد شوروی با شکوه فراوان برگزار شد.

در این مراسم برای اولین بار علاوه بر شعارهای رسمی حزب، از سوی مردم و انجمنهای سیاسی واجتماعی غیررسمی نیز شعارهای دیگری داده شده و تظا هرات مختلف در راهیما می ها شرکت نمودند.

دمی با آفتاب نو شان هندوکوش

نگاهی به سروده‌های دری زبانان افغان

در این سوی رود، زمینهای وسیع و نسبتاً همواری است که در کناره‌های رود، درختچه‌های "گز" روئیده‌اند. در نزدیکی رود، روی زمین با خاکسی نرم آمیخته با ماسه‌هایی پوشیده شده و گردبادهای ۱۲ روزه، سرگرمی همه ساله‌اش را با آن زنده میکنند. از شهر کوچکی که دیگر پیدا نیست دور شده ایم و تنها دهکده‌هایی با فواصل دور در منطقه پراکنده‌اند. وجود خانه‌ها و دامها، مردانی با لباس سفیدبلند و بزرگ که در باد تکان می‌خورند، دخترانی با پوشش بومی که کوزه‌ای آب بدست دارند، از زندگی در این دهکوره‌ها، حکایت میکند.

در آنسوی هریودا ما، چهره‌ها خاک و دشت و تپه‌ها بتدریج دگرگون میشود. آرم‌آرم تپه‌های بلند تری که گوئی ناگهان برخاک رسته‌اند، دیده میشوند. و این سرابهای قهوه‌ای رنگ که پدیدار میشوند، همیشه وجود دارند. خرابی‌های اینسود دیگر سبب نیستند، ولی دهکده‌هایی با همان فاصله‌ها - کسی بیشتر - و دور از هم پیداست. اما از زبانهای سفید مردان در دشت هیکل صحرا، از دختران با زگشته‌ای زوی آب و کوزه بدست، از زویان نا کوچک رهمه‌چران خبری نیست. زندگی از اینجا گریخته و مهاجرت گسوده است تا در کشوری دیگر، به برگ پناهنده شود. این شاخص ترین چهره غبار گرفته و دود آلود شعر دری است:

...

ز پشت میز

چهار چشم سیاه

چهار مهره مهر

چهار اختر لرزان شامگای پاک

به ترس‌های یتیمان سوی درنگران،

بر آستانه نمایان

چهار مرد دخن

به کف مسلسل چینی

چهار نام مجاهد!

چهار نام مسلمان!

وبعد

خانه تاریک

و ترسهای یتیمان، دو کودک گریان

شبی که فردا عید است! (۱)

(اسدالله حبیب)

برادری که اینسوی مرز است، اگر چه قسوی پنجه ترو بلندقامت تروالی در عین حال تهیدست تر است. شبی چراغ می‌خواهد و مهتاب را بهتر از آنسویان می‌شناسد. هر چه بیشتر به عمق خاک افغانستان می‌روی، قامت برادر افراشته تر است. دستش خالی تر، خلق و خویش چون لهجاش متغیر تر و آنوقت درمی یابی: ایران کشور است که کیلومترها آنرا پشت سر گذاشته‌ای، با دیدن کوههای

بلندتر که بلندتر میشوند، مطمئن میشوی که هندوکوش است و افغانستان. این همان هندوکوشی است که عشق و کینه‌ای متفا در کوهپایه نشینان برانگیخته است: بلندا است و برای مردمی که "قدرتی" مدا فمع آنان نبود، تسلی خاطر و رفیق زندگی، و بزرگ و بلند است همچنان، و برای مردمی که این بار، صیحه‌مان بجای خورشیدی که از فرازناش بر کلبه‌های محقر می‌تابید و ملامت میگفت، گلوله می‌آورد، دشمن است. اما مردمی که اینهمه بلا را از سپهر بلاد دیده‌اند، پشت سر یا ربیگنا، شان به کسی چیزی نمی‌گویند، این مردم اگر چه از آن گریخته‌اند و می‌گریزند و در کوره پزخانه‌هایی که "همتا" اینان در ایران رونق یافته، جان می‌کنند، ولی در خلوتشان، هر شب با هندوکوش گرم میگیرند.

کابل! ای همه بلندی

ای همه غرور

کودک تو از نخست روز

چشم بر فراز دوخته است

بر بسوی قلعه‌ها گشاده است

وز پرنده هم پرنده تر

دل به آبی او جها شده است.

افغانستان کشور روستانهاست، بهر لحاظ.

علائم "شهری" متداول حتی در شهرهای پیشانیافته

است، از سالت تا برق و جاده و دوسوت کاخانه،

مگر مغازه‌هایی پرازانگور و سیب و خربزه! ده، در

تا روپود سروده‌های دری نمایان است:

ورفت حسینی که از ورزیده ترین شاعران

تصویر پرداز افغانی است و عمده شعرهایش تا عمق

تخیل میرود و می‌پوید و ظهور میکند، در یکی از سروده

هایش این مهر و نشان روستا را در شعرهایش می -

نمایاند:

بر سبزی مقدس هریبرگ

می نوشت

اشعارا شقا نه خود را

باران

آنگونه بود شاد هوا و فضای ده

در آن سبیده دم

کز شاخه‌های هستی

میشد بیها رجید.

"باران" همیشه در اشعار افغانی، به مثابه نیازی مطرح است. وضع بهداشت و محیط زیست در افغانستان در حد قابل ممکن است. نان و آب هم فراوان نیست. اما آفتاب همیشه حضور دارد و آن سرد می‌نماند که در زیر لباس و جامه افغانی، چشم از آزار خورشید بر میگردد، در دل شاد است: اگر تو نبود ای همه جمعیت خانه نشین بود. وقتش می‌پولی برای خرید نیست، دیدار جمعی خورشید، شععی است، "ورفت حسینی به زبان شعری گوید:

وزن فریاد زد

"باران"

باران، آی باران می فروشم، آی

در این داغی

گو را آب سرد و بیش باران

بیا شید آی

باران...

و این صدای معتدیست که در شهرهای افغانستان

در تابستانها شنیده میشود و کابل پراز "باران"

فروشان است.

آری، شعر صاصر دری افغانستان همان تقدیر

کوهی و کوهی و آفتابی و عرق ریز و خسته و شورید ه

است که مردم و سرزمینش، این شعر جنگجو است،

جانبدار و مترقی است، شیپورها ی جنگ تسلطنتی و

مذنبودانی راهمیشان به صدا درآوردند، اگر چه

تفنگها، در زمانی دیگر، در دستهای دیگری جا بجا

شد.

شعر جانبدار زبان دری از دهه چهل شمسی به

بعد قدرت معنوی بلامنازع بدست آورد. اکثراً

شاعران این سالها، تمانیلات و ایدئولوژی مارکسیستی

دارند و مضمون شعر آنها مملو از برداشتهای فولکلوریک

سیاسی و انقلابی، بیان زندگی زحمتکش و توجه به

شاعران جهانی و انترناسیونالیست است. در ادامه

به جنبه‌هایی از آن اشاره خواهیم داشت، ولی این

نکته را از زمین اکشون، ناگفته نمی‌گذاریم که در

شعر صاصر دری، زبان کوچکی به همین بیان در ایران

متفاوت است، راه یافته است، بعضی نکات گراماتیک

نیز متفاوتها می‌باشد. این دو وجود دارد و نیز بی

شنا سبب سطح رشد اقتصاد - اجتماع می‌باشد.

افغانستان، گوش قدیمی دری یا فارسی، دیرپا تر

از گویشی است که در زبان فارسی ما (چه در ادبیات

و چه در فرهنگ کوچک) رایج است. کلا افعال

ترکیبی نظیر "خوانده می‌توانم" (میتوانم بخوانم)،

می‌توانم خواند) و سایر افعال نظیر آن و نیز

افعالی که در زبان دری، بصورت ترکیبی است، به

خلاف آنچه در فارسی ایران است: "نوشته می‌کنم"

(می‌نویسم) و... بعضی اسامی ذات نیز در افغانستان

بگونه دیگری است. این موضوع گاه به حدی است

که استفاده از آن افغانی (دری زبان) از کلمات

فارسی تا مفهوم می‌نماید.

باید در این ارتباط متقابل نامی از

شاعرانی چون شاملو، فرخزاد، گل سرخی، کسرائی برد

که مورد علاقه سخن سرایان نوین افغانستان هستند

روزی شاملو را زجر کشیده و زندان دیده‌ای را دیدم

که اشعار لورکا را زمزمه میکرد، پرسیدم: خیلی به

آنها علاقه داری، در جواب گفت: لورکا را در جنس

شاملودوست دارم. و اشعار ملونیز، محبوبترین

شعرهای ایرانی است. شعر مترقی افغانستان به

تمام شعرهای این کشور است، معتبرترین شاعر



از مردگان گذشت ،

سخن از مرده داران است !

انقلابی هستند. در کوبا، هیچ در مانده، در سدری مانند محمد رضا پهلوی و پیدر "کبیر" نمی نیست که پس از ناتوانی در باربری غرب در "آوان" و "موریسن" کپه مرگ بگذارد. در آنجا طعم گوارای استقلال را چشیده اند تا هیچ برزیدنت تمک نشنا می "چون کارتر، نتواند به یک نوکر مرام کوبا می (نظیر پهلوی) که در جستجوی پناهنده گی پس از حکمرانی است، بگوید: "من اطلاع شما را نمی شناسم".

کتابخانه سلطانی ها از آن بیشتر در مانده اند که در انتخاب سوژه نیز میمانند. اگر کارنگستر "آزادی خواهی" چون رولاند ریگان از "آزادی و دموکراسی" در حکومت دیکتاتور دو آتش سخن میگوید، به انواع دستگا های تطبیقی تکیه دارد. شوربختی و درماندگی سلطانی ها اینست که بنا کامی حتی جزع و فزع ریگان مافیا می را با ورنه می کنند، زیرا در آن صورت نمی... با بست کیهان لندن را مایه تقویت روحی خود ببندند. تیره روزی فاجعه با تران و نیز اینست که در اطراف واکناف با رگه استبدال، حتی یک ورق پاره آبرومندیافت نمی شود. این طبیعی ترین درماندگی کتابخانه سلطانی هاست. تا این شوربختی با قیست (که هست) ایشان نمی توانند نمونه "از مدام فاده" کوبارا با زور و آتش تعویض کنند. اگر افتخاح "فضای باز" پهلوی و شفقن برخاسته از زنجیر با ن "تمدن بزرگ" قانع نشدن نمی کند و تجربه آخوند های نمک شناس نیز قناعت بخش نیست، ما می هیچ مزاحی به ایشان توصیه می کنیم:

فرصت آزمودن با قیست، بفرمائید، هنوز چاه ویل سرافکنندگی و افتخاح و درماندگی پر نشده است.

مازندرانی

آوریل ۸۹

گور شده، گوشه های گرسنه، دستهای شکسته و بدنهای له شده و اجساد مثله زندانیان سیاسی دوره شاه را بتوان نا دیده گرفت. آری، ما ادعا می کنیم که در این صورت نیز، جماعت شاه الهی از گورگرددن مردم وضایت خاطر می یابند. آخر در چنین حالی است که خوانندگان مقالات و نشریات آنها، ظواهر آشکار تناقض میان کوبی "خوشبخت" با تیست (محمد رضا کوبا می) و کوبی "در مانده" کاسترورا نخواهند دید. بزم کتابخانه سلطانی، کوبی ای فیدل در مانده و از انقلاب پشیمان است. همچنین به عقیده پنهانان مانده، او، مردم "گرفتار" در این گوشه نیمکره غربی با پیدا زبیشه کن شدن بیسواد، بیگاری، فقر و فلاکت و بی درمانی نادم باشند. تلفات در اینجاست که سلطانی ها درماندگی خود را گامی برداشتن، رهایی یافتن و خوشبخت گشتن مردم کوبا با ایسران رنجور از جور ظلم الله را به مردم آزاد شده جزیره آزادی امروز! بیان آزاد دفردا نسبت می دهند. طبیعی است که خانه سلطانی! از اینکه کوبی می را درمانده و عاقل در کنار روسی خانه ها (یعنی یکی از مشهورترین رها وردهای با نیست) نمی یابد، در مانده است. وردهای او را به آسانی میتوان در کوبی: اگر مردم ایران در روسی خانه های شاه ساخته در مانده و عاقل میمانند، اگر فرشته را در "جذب" تما شای بزرگترین محله، بند نام (سلطنت و شاه پستی) هسدر میدادند، آنگاه خانه سلطانی! (وما بر عمل استبدال سلطنتی تا گزیر نبودند در گوشه ای از دنیا، ویلان و ما یوس و سرگردان در وصف ندانمت "کوبی کا سترو" قلم بزنند، که در آن صورت نهانی آجر می شود و نه عیشی از ما یوس و "منزلت" می افتاد.

امروز حتی خصمانه ترین تحلیلها تا گزیربسه اعتراف به شرف و پیوی (و نه درماندگی) کوبی می

"هر دو لوج اند، در ونگو هستند، به سرنوشت و نام و چهره خود بیشتر از زرافه و آسایش و کامیابی ملت خویش اهمیت میدهند. هر دو میخاوند انقلاب خود را یک پدیده یکتا و بی همتا معرفی کنند... مردمی که کمیته های... و سازمانهای امنیتی... آنها را همیشه می یابند... اینها جملات کتابخانه سلطانی، قلمزنان کیهان لندن است. او در جای دیگر میگوید: "هر دو (یعنی خمینی و کاسترو) از مردم خواسته اند که آتان را رهبر مطلق بخوانند، "اواضا فیه می کنند: " دو رهبر فرسوده و شکست خورده، در زیر بار سنگین شما ت مردم و محکومیت در افکار عمومی دنیا و در دادگاه وجدان بشری... زندانی... مانده اند تا مگر مرگ آنها نرا رهایی بخشد و ملت آنها را از قید و چوب این رهبران آسوده سازد". (کیهان لندن، ۲۵ فروردین ۶۸)

راستی که چه نعمتی است یک جوحیا! گنا نسه سلطانی جای شاه را با کاسترو عوض می کند. کمیته های انقلابی کوبا را جای ساواک می نشانند. بجای مشتی سلطنت طلب کف به لب به ریاست تیمچه شاه عا جز ترا ز خود جماعت "چریکی" بی آینه شده سالوادور "رامی" نشانند و کواکین فروشیهای کلمبیا می را که سابقه دیرینه ای با بندهای اشرف پهلوی... دارند، به مبارزان از جان گذشته آن کشور نسبت میدهند. او میداند که قادیبه پنهان کردن علاقه مردم کوبا به رهبران انقلاب خود نیست، این رو آنها را در روسته هورا کش و با زا رگرم کنسی که "حزب رستا خیز" برپا می داشت فرض می کند.

بی تردید، متهم کردن سلطانی ها به این جرم که از گورگرددن مردم رضایت می یابند، با عست خشم آنهاست. مشکل ایشان اما در آنجاست که نمی توان آنرا جرم را از زمین برد، حتی اگر چشمهای

این سبک، و اصف با ختری است. او در شعری که بهیا نگر نظر اتش در این زمینه است و بعدها مدعی عدم تأشید کامل آن شد، ضمن تمجید حافظ در بیان کلاسیک ها به سبکی کلاسیک می گوید:

... شعر آن یک گرچه شعر روز بود
لیک هر یک گفته اش فردا نداشت
و آن یکی صد باغ رنگین آفرید
و ندر آن ده گلبن بویا نداشت
... و آن یکی نامید شعر خود حریر
لیک جز کرباس نازیبی نداشت
او ستادان سخنور را سلام
لیک حافظ در این جهان همتا نداشت ...

البته شاهان افغانی از سبک کلاسیک تا حدودی بهره جسته و با تقلید کرده اند. ولی کیفیت معنای سروده ها شان و نیز شکل اشعارشان، در قالب نوبسیار با لاترا زکارهای اینان در زمینه پیوسته گفته است. سلیمان لایق، با رقی شفیعی، عظیم شهبال و رازق روشن موفق ترا ز دیگران در سرا ییش به شیوه

آدرس و تاریخ زندان را دارند، به وظایف انتزاعی سیونالیستی نیز واقف بوده اند. اینسان در شیفته ترین حالت ممکن و در اوج تسلط ناسیو - نالیسم و سلطنت مردم را با نامها و آثار بر شست، لاهوتی، تورسون زاده، ما با کوفسکی، شاملو، لورکا، نرودا، و در زمینه های سیاسی با مبارزات ملل دیگر آشنا کردند.

و اما در باب جلوه رزم مشترک در سروده های دری زبانان افغان:

عبدا لله نابی که در کار بست و آه های زیبا
و اشعار حماسی در قالب جدید، مهارت دارد، در شعری که به اشغال گران تا توسط امپریالیسم امریکایی ارتباط دارد، اینگونه سخن گفته است:

زنی ز قلم خورشید

- ز چشمواره روزن -

بر آسمان شب آندوده با نگاه نگاشت:

چهره ی داد که با زنگلوی دره فریاد

کبوتران سپید

- هراس فاجعه در چشم -

کلاسیک هستند. نمونه و اصف با ختری در بیان شاهان معاصر افغانی که به زبان دری و با مایه های رمانتیک و سمبولیک می سرایند، افرادی چون لطیف پدرا مویا ختری و حسینی دارای محبوبیت بیشتری در افغانستان هستند و نیز عنایت پژو ها، که ما از اشعار اخیر الذکر شعری کوتاه می آوریم: (و جای تا سفاست که از نمونه های مجموعه "الظه های مصلوب" پدرا م محروم هستیم)

نمیدانم

چگونه خزان

به مهمانی بها آمده

و نوعروس چمن

در نخستین شب زفاف

کفن سبز پوشیده است.

که شاه ایست به سرنوشت انقلاب شور در دیوان

حفیظ الله امین به زعمشاعر.

شاهان معاصر افغانی، در کنار رنبرد بسیاری

تکامل جامعه خود که در این راه فقط قلم گسه

قدمها شان نیز در کار بود و اکثر شعرها در پای خود

جنبش کارگری و مدل گروهای سرمایه داری

توسعه اقتصاد ای کره جنوبی در سالهای اخیر همواره مورد توجه خاصی بوده است. "مدل کره" از سوی نمایان سرمایه داری و حتی بسیاری از منتقدان آن، بعنوان مدل ایده آل برای توسعه اقتصاد ای کره در نظر گرفته شده و توجه خاصی به آن برای توجیه به صرفه بودن توسعه سرمایه داری در کشورهای "چین سوم" بکار رفته است. بررسی جنبش کارگری کره جنوبی بدون نگاه ای اجملی به ماهیت و چهره واقعی "مدل کره" بسختی مقدور است. از این رو برای ارائه تصویری از جنبش کارگری کره که در حوادث سیاسی دو سال گذشته در مرکز تحولات قرار داشت لازم است، ابتدا در مورد توسعه اقتصاد ای کره و با ملاحظه "معجزه اقتصاد ای" در این کشور مکتب کنیم. مهمترین مشخصه مدل توسعه اقتصاد کره جنوبی، نرخ رشد نسبتاً بالایی توسعه اقتصاد ای است. در مدتی نزدیک به سی سال کشور کره جنوبی، علی رغم عدم برآمدن خودداری از منابع انرژی ارزان بعنوان منبعی برای انباشت اولیه سرمایه و حتی مواد خام قابل ملاحظه دیگر، از نظر اقتصاد ای تبدیل به نیروی شده است که بلحاظ مولفه های اساسی تولید صنعتی و نیز بلحاظ راندمان کار و سطح عمومی تکنولوژی یک کشور های بزرگ صنعتی غرب قابل مقایسه است. این رشد سرمایه و آورگونی ممکن شده است توسعه اقتصاد ای کره جنوبی با اتکا به فروض خارجی سرمایه آور، استفاده وسیع از تکنولوژی وارداتی و بکارگیری موشران، از همه مهمترین شرایط استبداد آسیای شرقی که به مدد آن توسعه طبقه کارگر بعنوان برده و بسودن حقوق اولیه سیاسی واجتماعی به کار واداشته شده است. صورت پذیرفته است. شرکتی بزرگ کره ای که بعضاً اکنون در ردیف غولهای چند ملیتی قرار دارد، بدون این شرایط به هیچ وجه نمی توانستند درآمد کوتاهی از حدود استیاریان شرکتی آمریکا شای و ژاپنی به حد رقابتی آنها رشد کنند. شرکتی نظیر "سامسونگ" و "هیووندا" هم اکنون با تولید سالانه نزدیک به ۱۴ میلیارد (واحد پول کره) معادل نزدیک به دو میلیارد دلار، عمل همراه با ده شرکت کوچکتر کره ای، زندگی اقتصاد ای این کشور را بطور همگانی تحت کنترل دارند. این شرکتها که مثل رقابتی ژاپنی خود، توسط خانواده های شروتمند کره ای کنترل میشوند، با در اختیار داشتن اهرمهای اقتصادی و سیاسی - اجتماعی موشرمیتوانند هزاران شراکت متوسط و کوچک کره ای را در جهت منافع خود بحرکت در آورند. این شرکتها و بویژه آسیا شرکتیهای کوچک کره ای بلحاظ مالی به شدت آسیب پذیرند، زیرا توسعه اقتصاد ای کره ناظر بر گسترش سریع ظرفیت های تولیدی با اتکا به سرمایه اولیه نسبتاً ناچیز و در کنار آن استفاده وسیع از اعتبارات جاری و قروض بلند مدت و کوتاه مدت است. پدیده مسدود برداشت بموقع دستمزدها حتی از سوی شرکتیهای بزرگ کره ای نیز عملی میشود و بواسطه آن بسیاری از کارگران با بدماها برای دریافت حقوق خود

انتظار میکنند، ناشی از بنیه مالی شکننده شرکتیهای کره ای است. از این رو، در "مدل کره" هرگونه ناآرامی اجتماعی و کارگری بلند مدت و یا از دست دادن ناگهانی بازار داخلی و خارجی با ورشکستگی انبوه شرکتیهای متوسط و کوچک مترادف است. در این "مدل" تدابیر مادی رونده تولید، شرط اساسی حفظ تعادل اقتصادی است و یکی از دلایل سرخسختی بورژوازی کره در مقابل جنبش طبقه کارگر، حیاتی بودن این تدابیر است.

مقررات قانونی ناظر بر روابط کار و سرمایه در کره جنوبی قبل از هر چیز با توجه به نکته فوق تنظیم شده است. در این کشور هنوز حتی پس از برقراری "دموکراسی"، ایجا دادهای صنعتی و یا سرمایه و بطور کلی اتحادیه فرا ترا محدود، یک واحد تولیدی، یا منع قانونی و بیروست، ایجا دادهای مستقل صنعتی و سرمایه هم اکنون از جمله مهمترین خواسته های جنبش کارگری کره میباشد.

در کره جنوبی بطور رسمی حداقل دستمزد وجود ندارد. متوسط دستمزد در این کشور با تراز مقدار متوسط در کل کشورهای سرمایه داری جنوب شرقی آسیا و نیز کشورهای بزرگ سرمایه داری است.

نام کشور	دستمزد متوسط در ساعت
آمریکا	۱۳ دلار
ژاپن	۹/۵ "
سنگاپور	۲/۴۷ "
هونگ کونگ	۱/۸۷ "
تایوان	۱/۷۱ "
کره جنوبی	۱/۵۵ "

با بد توجه داشت در جدول اخیر، متوسط حقوق کارگران صنعتی مورد محاسبه قرار گرفته و دستمزد بسیاری کارگران بخشهای خدمات، ناسازی و ... و بویژه کارگران زیرکتر از نصف مبلغ فوق است.

کره جنوبی در زمینه سوانح کار، با بالاترین آمار را در کلیه کشورهای صنعتی بخود اختصاص داده است. از هر ده کارگر کره ای یک نفر در سال بعلت سوانح کار، با مرگ و یا جراحت جسمی روبرو میشود. در معادن کره سالانه حداقل ۲۰۰ مورد سوانح منجر به مرگ ۶۵۰۰ سانحه با جراحت جدی و ۲۵۰۰ مورد بیماری شدیدتری ثبت شده است. و این در حالیست که ایضا ما هم سوانح گزارش نشده و در آمارگیری منظوری شونده، سوانح کار در کره جنوبی بر مبنای آمار رسمی، ده برابر بر حد معمول در کشورهای صنعتی غرب است.

بر آنچه که تاکنون ذکر شد با بدتنباهای وسیع محیط زیست، استفاده از شیوه های مافیای شرکتی و شرور کارگران و نیز از فضاحت سریع ساخت تولید روستایی که بموجب آن خودکشی دهقانان خانه خراب پدید میآید منفرد نیست را افزود تا تصویری ابتدائی و نه کامل از شرایط توسعه اقتصاد ای کره جنوبی بدست آورد. بیکار رطبه کارگر در کره جنوبی در شرایطی

صورت میگردد که این طبقه برای بدست آوردن حقوق اولیه خود، با بد عملاً زخمی غا زکند.

جنبش کارگری در سالهای اخیر

با توفیقاتی که فوفا دادیم، رشد سریع اقتصادی کره ظاهر با بد شرایطی را فراهم می نمود که به مدد آن طبقه بورژوازی و دولت آن حاضر به دادن "سهمیه" کارگران از نتایج مادی این توسعه نباشند. مقصود مقایسه با آنچه که بویژه در اروپای غربی بعد از جنگ جهانی دوم صورت پذیرفت میباشد. بعد از رشد فوق العاده و بدون اختلال سرمایه داری برای بیش از یک دهه، بورژوازی حاضر شد با دستیار اشرافیت کارگری و احزاب سوسیال دموکرات مهمی اندک از رفاه بدست آمده را به حساب کارگران واریز نماید. و بدین وسیله شرایط را برای شدت بخشیدن به با آوری کار و انباشت حریفانه سرمایه برای دورانی تا مین کند. اما چنین مقایسه ای در وضعیت کره جای شکی ندارد. به گمان ما شرایط مبارزه جنبش کارگری کره حتی بعد از "دموکراسی" شیم بند ژنرال "رو" هنوز فرق کیفی با گذشته نداشته و از این لحاظ ما باید مبارزات سال ۱۹۸۷ به این سورا مقدمه مبارزات طولانی و پراهمیشی تلقی کنیم که در راهند. با این ارزیابی که مورد توافق غالب فعالین جنبش کارگری کره است، اکنون نگاهی به مبارزات کارگری کره بویژه مبارزات سال ۱۹۸۷ می اندازیم.

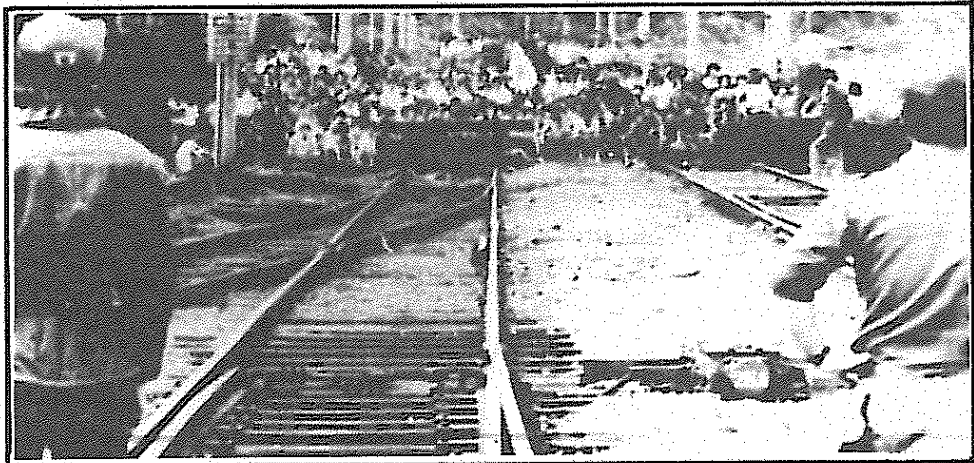
جنبش کارگری کره در تابستان ۱۹۸۷ مرحله مهمی از تکامل خود را آغاز نمود. این جنبش که سالهای متعادل توسط دولت سرمایه داران با شیوه های پیچیده سرکوبایدنولوژیک و مادی در حاشیه نگاه داشته شده بود، بنحوی که در شهرهای بزرگ کارگری، هیچگونه سنت مقاومت کارگری وجود نداشت - ناگهان با رشد سریع کمی و کیفی اشکال و دامنه، مبارزات کارگری در مرکز مبارزات اجتماعی جامعه کره قرار گرفت.

۵ میلیون کارگری که در تابستان و اوائل پاییز ۱۹۸۷ دست به اعتصاب زدند، غالباً تجربه مبارزاتی ناچیزی داشتند. بسیاری از آنها تا آن زمان در کمتر حرکت کارگری فعالانه شرکت کرده بودند. اعتصاب این کارگران که بعضاً تا کارخانه های بزرگ راندا مل میشد، نقطه پایانی بر آراسش طولانی مدت در کارخانه ها و معادن گذاشت. تا سپتامبر ۸۷، طبق آمار دولت ۳۳۷۲ مورد مبارزات کارگری ثبت شد و بیش از ۳۰۰۰ کارخانه بواسطه اعتصاب از تولیدیها زماندند. در منطقه "معدنی" تا شش معدن بزرگ از مجموعه ۱۳ معدن اعتصاب کردند. تعداد شرکت کنندگان در اعتصاب با توجه به سطح پایین سازمان نیابی اعتصابیون، بیش از ۹۰٪ کل کارگران معادن بود. صنایع اتومبیل سازی، کشتی سازی، ابزار سازی، نساجی، بافندگی و کارخانجات متابه، یعنی کارخانجاتی با بیش از ۱۰۰۰۰ کارگر به اعتصاب پیوستند. آتش زدن دفاتر شرکتیها و

جنبش کارگری و ...

اداره های کار و تنبیه رهبران اتحادیه های زرد به محته ای عادی تبدیل شد. کودکان، زنان و مردان کارگری را به شغال جا ده ها و خطوط آهن دست زده و در مقابل ساختمان های دولتی به اعتراض تجمع می نمودند. بطور خلاصه، کمیت و کیفیت اعتراضات، آنها را به یک اعتراض سیاسی عمومی، اعتراضی که برای کارگران و سرمایه داران هر دو غیر منتظره

کارگری و دستگیری رهبران این جنبش شروع شد. نزدیک به ۹۰۰ نفر از رهبران محلی و منطقه ای کارخانه ها دستگیر شدند. در موارد بسیار ایمن دستگیریها یک روز قبل از انتخابات صورت گرفته و به مدیریت امکان میداد که با رای از چهره های سرشناس کارگری را از امکان انتخاب شدن بعنوان رهبران سندیکا های جدید، محروم کنند. علاوه بر رهبران کارگری که خواهان گسترش دامنه



و بنا بر آن به بود، تبدیل نمودند. رویای اتحادیه سازی آرا می گذشته به کابوسی تجربه نشده برای سرمایه داران و دولت تبدیل شد.

همزمانی اعتراضات با مبارزات دانشجویی که بلحاظ سیاسی از مبارزات کارگری پیشرو تر بود و ابعا دتوده ای اعتماد از یک سو و خونتت دانشماری و روبه افزایش کارگران اعتمادی که با سرعتی با و نگردهی روحیه فرمانبرداری را از دست داده و اشکال خشن مبارزه را در اینجا دوسیع تجربه می نمودند، دولت و سرمایه داران را مجبور به عقب نشینی های سریع و بعضا قابل ملاحظه نمودند. در حرف کلیه خواسته های اعتماد بیون برای تحقق فوری و یا کوتاه مدت پذیرفته شد - هر چه در عمل اینطور نبود. این خواسته ها کدام بودند؟ افزایش دستمزدها، هیانه به مبلغ ۴۵۰۰۰ - ۴۰۰ "ون"، برچیدن سندیکا های قلابی و برسمیت شناختن حق ایجاد سندیکا های مستقل و سراسری، کم کردن ساعات کار - بویژه در معادن، برچیدن کارگاه کارگری، بهبود حقوق بازنشستگی و سایر مزایای اجتماعی، حقوق برابر برای کارگران زن و مرد و رفع تبعیض برای زنان کارگر...

مهمترین عقب نشینی دولت در زمینه دستمزدها بود که با پذیرش ۱۲٪ افزایش دستمزدها، به خواست کارگران تا حد زیادی گردن گذاشت، شکستهای اتحادیه های مستقل در سطح کارخانه رسماً مجاز شد و قرار شد که بزودی برای حدود ۶۰۰ سندیکا های جدید انتخابات شود. در عمل اما این خواسته بعد از مدتی به شدت سرکوب شد.

این سرکوب با استفاده از شیوه های شناخته شده صورت گرفته و این هدف را دنبال میکرد که سندیکا های جدید و سندیکا های زرد تا کنونی کسسه می بایست بصورت دموکراتیک توسط کارگران کنترل شود. پیش از حد نیرومند و خطرناک نشوند. بلافاصله بعد از اتحادیه های عادی، اخراج فعالین جنبش

فعالیت سندیکائی بود و با عنا صراحت کارگری که در مبارزات کارگری به جنبش یاری میرساندند. به بهانه "داخلت غیر قانونی فردنالیست" در مبارزات کارگری دستگیر و زندانی شدند. هرگاه که دستگیری چهره های سرشناس عملی نبود، جنبه آذینا توسط کارخانه و حتی خارج از محل کار به اماری عادی تبدیل شد. این اقدام در مورد زنان کارگری شدت بیشتری صورت گرفت. در کنار تاکتیک سرکوب و تقلب در انتخابات سندیکا ها، سرمایه داران بسا شدت به تلاش برای خرید رهبران کارگری روی آوردند. این تلاش در موسسات بزرگ حتی شامل کارگران اخراجی و زندانی نیز شده و آنها پس از چندین موزه تنبیه ای امکان را می یافتند تا از سوی کارخانه به دوره های آموزشی برای ارتقاء توانائی های کاری خود گسیل شده و در بازگشت با حقوق بهتری استفاده میشوند.

بطور خلاصه با زیر گرفتن بخشی از دستاوردهای اعتراضات سال ۱۹۸۷ با شیوه سرکوب، تحمیق و تنظیم صورت گرفته و این شیوه ها به علت سطح پایین تجربه مبارزاتی و آگاهی سیاسی کارگران، بسیار بیشتر از حد معمول موثر افتادند. در عین حال مهمترین دستاورد جنبش کارگری قابل بازبینی گرفته شدن نبودند. این دستاوردها کدامند؟ مهمترین از همه بلوغ هویت طبقاتی کارگری، احس تطبیق به توده و حتمتکت و نیرومندی که میتواند نزدیک نتایج سالها سرکوب آید و تئولوژیک و فیزیکی را خنثی کرده و دشمن را به عقب نشینی وادارد. قابل ذکر هستند. کارگران در مبارزات خود برای اولین بار، در مقابل ارزشهای ارتجاعی و پدرا سالارانه جامعه کره، ارزشهای ملی و سنتی که سالیان متعادی برای حفظ آرا می تبلیغ شده بودند، و در مقابل یکی از هارترین و فداگمنان ترین رژیمهای سرمایه داری جهان، هویت طبقاتی خود را یافته و در مقابل بهت و ناباوری حامیان و مدافعان نظم سرمایه داری، در مقابل آنها

ایستادند. عقب نشینی دولت و سرمایه داران و امیر - با لیزیم آمریکا در مقابل جنبش کارگری اما با بدلیل نگرانی از تحکیم روشنفکران صورت گرفت و البته نتایج اقتصادی کمترکن اعتمادات برای اقتصاد کره که میتواند به رکود عمومی و ورشکستگی مالی بسیاری از واحدهای تولیدی منجر شود نیز منطبق بود. علاوه برورش یک نسل از رهبران کارگری در کره که مبارزات نابا یفرا موش شود، این رهبران که علیرغم سرکوبها و با اقدامات بعدی، جای ممتاز خود را بعنوان قشر پیشرو کارگری هنوز حفظ کرده اند، کسانی هستند که تا کنون مبارزات بعضی کارگران را رهبری نموده و شعارهای اساسی آنها همچنان دنبال میکنند. در واقع نیز از زمان خاتمه اعتماد با سال ۸۷ به این سو، جنبش کارگری کره از ثبات نیفتاد است و این قبل از همه مدیسون کارگران پیشروی است که به اهداف این جنبش وفادار بوده و آنها در شرایط دموکراسی نیمه بندی کنونی همچنان ادامه میدهند. همه اقدامات مخفیانه کارگری - اقداماتی که تا قبل از ۱۹۸۷ با بقیه ندا شده اند - از قبیل ایجاد محافل کارگری، تهیه و پخش اعلامیه در مورد خواسته های کارگران و مبارزات نیمه علنی، به رهبری آنها و گروههای سیاسی چپ صورت گرفته است.

جنبش کارگری کره اکنون دوره مهم تجدید آرایش خود و اینبار را تکامل بیشتر به کار زمان نیافته مخفی و نیمه علنی را می گذراند و اگر روند با زیر گرفته شدن دموکراسی نیمه بندی همچنان ادامه یابد و تعرض به جنبش کارگری با مراحات بیشتری دنبال شود، با زیر را ندن قطعی آن غیر ممکن خواهد بود. هرگونه تعرض به این جنبش از سوی دولت و سرمایه داران اما با مضمونی دفاعی داشته و به هدف جلوگیری از پیشروی آن خواهد بود.

دنی با ...
به ناکرانه پرواز
خروش گریه رگبار میبرند؟
چهره های دادگه باز
زمینیان گل خونبرگ را ز جمره چاشت
به ارفغان شفق سار می برند!

تهیه کننده این مطلب، دچا رچنان مضیقهای از لحاظ منابع شعری بود که شاید عدم تهیه آن مناسب ترمی بود. واگرتنه ضروری تر، در اینجا شایسته است که از نقش پرآینده پدرامدوبیا ره گفت، افشارد دیگری نیز در عرصه شعر داری جا بجا می از آن خود ساختند چون پژمان، الهام، پنجشیری، قویم، طغیان و... اما متاسفانه نامن شاعران دولیت مابدلیل واقم و نه فراموشکاری نیست که این امر نفرت ما را از عقب ماندگی و پوسیدگی سلطنت و فئودالیسم صد چندان میکند.

با ورقی:
(۱) دکتر اسدالله حبیب که ریاست دانشگاه کابل را نیز برعهده دارد، بیشتر در زمینه داستان نویسی موفق است تا در شعر.

آلمان فدرال: درگیری درناشو

ات طرفین و از جمله طی دیدارها در کارگاه‌ها تا جرئت‌ناگشت وزیر انگلستان از آلمان، طرفین به موضع مشترکی دست نیافتند و این درحالیست که اکنون اکثر مردم آلمان خواهان ادامه قطع سلاح، برچیدن قطعی موشک‌های سردکوتا و مذاکره در مورد کاهش نیروهای نظامی تا شوروی میباشند. تاکنون نروژ، بلژیک، لوکزامبورگ، یونان، اسپانیا و ایالات کم‌و بیش از مواضع آلمان جانبداری کرده‌اند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آلمان فدرال

● اختلافات بین دولت آلمان با سایر کشورهای عضو ناتو در این کشورها و انگلستان در مورد مدرنیزه کردن موشک‌های سردکوتا همچنان ادامه دارد. درحالیکه دولت آلمان خواهان تصمیم‌گیری در این مورد تا قبل از سال ۱۹۹۲ نیست، آمریکا و انگلستان خواهان تولید موشک‌های جدیدی با برد ۵۰۰ کیلومتر که در عمل جای موشک‌های میان برد در حال سرجیه شدن را خواهند گرفت میباشند. در مذاکره

● اعتصاب غذای زندانیان سیاسی وابسته به گروه‌ها در مونیخ و گروه‌های مشابه همچنان ادامه دارد. این اعتصاب که اکنون وارد سومین ماه خود میشود با خواسته‌های زیر شروع شده است: پایان دادن به حین انفرادی زندانیان و جمع کردن آنها در یک یا دو گروه بزرگ، پایان محکومیت برای زندانیانی که بدلائل مختلف دیگر قرا در سه‌ماهه دوره محکومیت خود نیستند و آزادی زندانیان برای تماس با گروه‌های سیاسی خارج از زندان، اعتصاب فوق که با پیوستن زندانیان به آن بصورت تدریجی شروع شد، بصورت یکی از مهمترین مسائل سیاسی جامعه آلمان در آمده است. در واقع نیز خواسته‌های زندانیان که چیزی بجز شرایط حین معمولی نیست، چهره‌ریا کار حقوق بشر مورد ادعای احزاب بورژوازی آلمان و ماهیت فئودالیستی دستگناه سرکوب و شکنجه دولت این کشور را بخوبی افشا کرده است. تاکنون احزاب خاک‌چماض به هیچ‌گونه عقب‌نشینی در مقابل زندانیان نشده‌اند و این درحالیست که دو برابر از آنها با قطع موقتی اعتصاب خود بعنوان حسن نیت، مذاکره در مورد خواسته‌های خود و سایر همزمانان را بعنوان تنها راه حل ممکن اعلام نموده‌اند. ضمناً در این باره نیز گفته می‌شود که

مجا رستان

● دولت مجارستان اعلام نموده که مواضع سرری بین این کشور و ترکیش تا پایان سال ۱۹۹۰ کاملاً بریده شده و تنها علائم مرزی معمول باقی خواهند ماند. در پی این تصمیم دربارهای از مناطق نیروهای مرزی و اهالی محلی کار برچیدن مواضع را شروع کرده‌اند. وزیر داخلی مجارستان قبلاً اظهار نموده بود که مواضع مرزی از نظر تاریخی، سیاسی و تکنیکی دیگر غیر ضروری هستند. ناظران غربی اقدام دولت مجارستان را کاملاً در جهت بهبود روابط با غرب و با اثری قلمداد نموده و از آن استقبال کرده‌اند.

همچنین دولت مجارستان با تجدیدنظر در مورد ماهیت جنبش اعتراضی ۱۹۵۶ و شروع بررسی مجدد محاکمات آن زمان، به انتقاد از شیوه برخورد با مخالفان داخلی پرداخته است. چند ماه پیش اجلاس کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگران مجارستان نهضت اعتراضی سال ۱۹۵۶ را یک جنبش اعتراضی توده‌ای با خواسته‌های برحق که در انتهای کار اکثر فدوسوسیالیستی بخود گرفت، نامید.

بعنوان بالاترین مقام دولتی را میتوان نام برد. قرا راست که یک کنفرانس بین المللی برای حل قطعی مساله خروج نیروهای ویتنامی نیز تشکیل شد. این نیروها میبایست در شش ماه آینده خارج شوند. دولت کامبوج حاضر به پذیرش درخواست سپاه نوک در راه انحلال خود شده و در عوض وی را دعوت به شرکت در دولت نمود. به راهی از ناظران سیاسی این دیدار را به لحاظ اینکه احتمالاً توافق بین دولت کامبوج و سایر نیروهای ایزوسیون بدون خمرهای سرخ قطعی شده است را مهیا ریبایی میکنند، اگرچه معلوم نیست که مسئله کامبوج بدون خمرهای سرخ براضی حل شود.

اخبار کوتاه

● بر طبق اعلام جبهه آزادی بخش فارا بودند - مارتی در مالداور، در ماه آوریل سلطنت شدت یافت حملات جریکها به مواضع ارتش، حدود ۸۰ نفر از نیروهای دولتی کشته و زخمی شده‌اند. از اواسط ماه مارس تاکنون جوخه‌های مرگ در مالداور دور ۱۹۲ نفر از فعالین جنبش توده‌ای و دموکراتیک را به قتل رسانده‌اند.

● ز دو خورد های بیروت همچنان ادامه دارد و این درحالیست که جاع عرب در تلاش خود برای اجرای آتش بس تصمیم به فرستادن چند مدرسه از کشورهای عربی بعنوان ناظر بر اجرای آتش بس مورد توافق طرفین قرار گرفته است.

● در اجلاس کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی، صد و ده نفر از اعضای این کمیته باز نشسته شدند. با این اقدام که شامل نزدیک به ۱۰۰ اعضای کمیته مرکزی نما ریزگری از گردن حزب جای خود را با اعضای جوان که اندک کمیته مرکزی تعویض نمودند.

● دولت کره‌ش نفر از رهبران دانشجویان را به اتهام قتل عمد و آتش زدن محاکمه خواهد نمود. این عده احتمالاً بمرگ محکوم خواهند شد. دولت ژنرال "رو" تهدید نموده است که در صورت تداوم نا آرامیهای اجتماعی، حالت فوق العاده اعلام خواهد نمود.

شودند است که هلم؛ تظا هرات علیه

حضور نظامی آمریکا در ایما لوا دور

● در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۹ بدعت کمیته همبستگی با ایما لوا دور بنام "کامبای" متشکل از ۲۷ جریان سیاسی از کشورهای گوناگون که واحد است که همزمان ما نیز از اعضای آن میباشند تظا هراتی علیه حضور نظامی آمریکا در ایما لوا دور برگزار گردید. این تظا هرات هزار نفره از میدان مرکزی شهر آغاز و در مقابل سفارت آمریکا در است که همبستگی با ایما لوا دور بنام "کامبای" متشکل از ۲۷ جریان سیاسی از کشورهای گوناگون که واحد است که همزمان ما نیز از اعضای آن میباشند تظا هراتی علیه حضور نظامی آمریکا در ایما لوا دور برگزار گردید. این تظا هرات هزار نفره از میدان مرکزی شهر آغاز و در مقابل سفارت آمریکا در است که

سوسیال دموکراتها حکومت میشود. تحت فشار افکار عمومی، دولت این ایالتها اعلامی از آمدگی برای پذیرش باره‌ای از خواسته‌های زندانیان از خود نشان داده و البته در عمل هیچ اقدامی صورت نگرفته است. اعتراضات وسیع در شهرهای مختلف آلمان و از جمله تظاهرات عظیم در تاریخ ۲۹ آوریل در برن، موجب شده است که از یک سو همه گرایش‌ها و تفرقه‌ها در جامعه آلمان متحداً درخواست پایان دادن به حین انفرادی یا فشاری شامیند و از سوی دیگر حزب دست راستی در موضع تدافعی قرار گیرند. با این همه بعد بنظر میرسد که حضرات مدافعین حقوق بشر تا قبل از مرگ باره‌ای از زندانیان اعتصابی حاضر باشند که در مورد خواسته‌های زندانیان مذاکره کنند. بر این اساس مذاکره‌ای موجب سرخوردگی بیشتر گرایش‌هاست راست و فو کمونیستی که اکنون بسوی احزاب فاشیستی در حال رشد تهایل پیدا میکنند میشود و احزاب راست را بیش از پیش تضعیف میکند. دفاع از خواسته‌های زندانیان سیاسی آلمان، وظیفه همه نیروهای مترقی است. رفقای ما نیز همگام با سایر نیروها، میبایست ضمن جاننداری از این خواسته‌ها، ماهیت واقعی سیاستی دولتیهای بورژوازی را افشاء کنند.

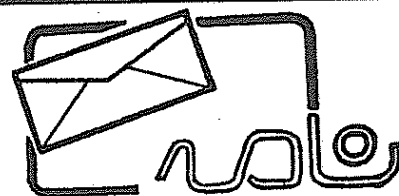
فرانس:

● با سرعرات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین، رسماً از فرانسه دیدار نمود. وی در این دیدار که به مناسبت دیدار دولت فلسطین صورت گرفت با میتران گفتگو نمود و از جاعه یهودیان فرانسه خواست که با پذیرش بی نتیجه بودن چهل سال جنگ به رهبران اسرائیل در مورد مذاکره با سازمان آزادی بخش فشار وارد کنند. جاعه یهودیان فرانسه طی دیدار وی به دو گروه بزرگ موافقان و مخالفان مذاکره تقسیم شده و گروه اخیراً اقدام به برگزاری تظا هرات اعتراضی بر علیه عرفات نمود. همچنین عرفات آن بخشاز "میتاق فلسطینیها" را که متوجه از بین بردن اسرائیل بوده و در سال ۶۸ تهیه شده با ظل اعلام کرد.

کامبوج:

● در دیدار بین سپاه نوک و هون سن نخست وزیر کامبوج که در اندونزی صورت گرفت، طرفین به توافقات مهمی دست یافتند که از جمله تغییر نام و برجم کامبوج به وضعیت سابق آن و انتخاب سپاه نوک





نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مشترک شوید!

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با معادل هزینه اشتراک، رسید بانکی پرداخت ویا وجه نقد به آدرس زیر ارسال نمایید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	آمریکا و سایر نقاط با پست هوآشی
راه کارگر ارگان سیاسی سازمان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۵ مارک ۵۰ "	۳۱ مارک ۶۲ "
راه کارگر بین المللی راه کارگر بزرگان انگلیسی (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۸ مارک ۱۶ "	۱۰ مارک ۲۰ "
پیام کارگر ارگان کمیته خارج از کشور (۱۵روزه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۸ مارک ۵۶ "	۳۳ مارک ۶۶ "
ریگای کریگار ارگان کمیته کردستان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۱ مارک ۲۲ "	۱۳ مارک ۲۶ "
کاری راه ارگان کمیته بلوچستان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۱ مارک ۲۲ "	۱۳ مارک ۲۶ "

شماره حساب بانکی: آدرس:

Postfach 650226
1 BERLIN 65

H: Soltanzadeh
Deutsche Bank Berlin
Bankleitzahl - 10070000 -
Konto-Nr: 5208533

نام و نشانی کامل مشترک:

الطفا تغییرنشانی خان را اطلاع دهید!

.....
.....

معرفنی نشریه

های پناهنده، نشریه "کانون دمکراتیک پناهندگان و آوارگان ایرانی" که هدفش نشان دادن زمانه پناهندگان و آوارگان ایرانی است. برای مبارزه در راه حقوق دمکراتیک خود و پشتیبانی از جنبش مقاومت مردم کشورمان در ایران است. از این دوستان میخواهیم که انتشارات خود را مرتب به آدرس ما در آلمان بفرستند. در آینده تلاش خواهیم کرد که نقد خود را نسبت به این نشریه در پیام کارگر درج کنیم.

پناهنده، نشریه "کانون دمکراتیک پناهندگان و آوارگان ایرانی" - ترکیه "است که شماره اول آن تا ریخ دسامبر ۱۹۸۸ را برخوردار شد. این نشریه شامل مطالب زیر است: ۱- اعدا چنانچه کارکنان نه زنده انبیا سیاسی در ایران، وضعیت ناگوار اقتصادی و مشکلات مالی پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه، نقد دیدگاههای شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه، اخبار روبرخی مطالب دیگر، این نشریه و احتمالاً نشریات مشابه نشان دهنده پایداری تشکل.

رفقای مسئول پیام کارگر

در شماره ۳۵ پیام کارگر صفحه ۱۰ "ستون آزاد" مطلبی درج گردیده از خانمی بنام "میترا"، وظیفه خود میداند که در پاسخ به نظریات ایشان چند خطی به اختصار قلم زنم.

در آغاز با بدگفت "پیام کارگر" که برپینا نش عنوان ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را دارد بدین شرحین مقاله بدو محتوای درکنا را نهمه مقالات خوب پسر محتوا، نهمه در شمارهای که میتوان آنرا بجزئیات برای داشتن مضامین نابیش شمار ویژه خوانند خطای بزرگی مرتکب شده است.

پیام کارگر که ماهی دوبار منتشر میشود با بد بیبا نگرخواستهای سیاسی - اجتماعی و انقلابی کارگران و مردم زحمتکش ایران با شدویه رشتدرک و اندیشه انقلابی آنان یاری رساند. بر همین روال "ستون آزاد" نیز با بدبهرمان ایده و آرمغان "راه کارگر" جلوه نمایندونه جز آن، همین کاریا به اساس مبارزه است که با بداز درج مطالبی که پسر مبنای تعنیات و روحیات فردی نوشته میشود، وغیر حدیث نفس نیست، حذر کرد.

مسئله معضل "خانواده و ازدواج" یک مسأله مهم سیاسی واجتماعی است که میتوانند فقط و فقط بر اساس درک علمی وسیاسی از جامعه و منجمله جامعه ایران در یافت و نگاه داشته شود. با بداز نویسنده مذکور پرسیده آیا میتوان به مصلحتی اسپردر جنگال آخوندیسم فرتوت چنین مطلب دست چندی را تحویل داد نهم در کشوری که مردوزنش سرنوشت مشترکسی دارند و سارتن زنانش نه دیروز و امروز بلکه قرن - هاست که تداوم داشته و امروز نیز در جهنمی که خمینی آفریده دارنده میسوزند؟

آیا تمام مسائل زندگی اعم از طبقاتی، سیاسی واجتماعی حل شده و تنها همین مشکل پیش پا افتاده "ستم جنسی" بجا مانده است که آنرا هم ایشان، نهم بدینگونه بی مسماء، با عینک شخصی خودشان و نه زنان ایران، میخواهند حل کنند؟

من "میترا" را به مقاله علمی وفلسفی دفاعیه کارل مارکسی از زمان نخستین بار اعتبارش پیرامون مسائل طبقاتی واجتماعی جهان و از جمله ستم دیدگی زنان و نیز به کتاب "منشاء خانواده" انگلس حواله میدهم که شیوه نگارش مقالات علمی واجتماعی را بیاموزند. تا آزاداندیشی را اینگونه ساده و سهل نیانگارند، که علاج دردوستم قرنهای یک شبه ویا در طول عمر یک نسل نمیتوان حل کرد.

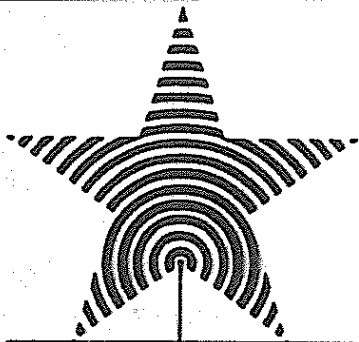
ایران نورگه

رفیق عزیز، م.س!

نقد شما بر کتاب "پرواز در چاه" نوشته محمود فلکی رسید. در شماره های آینده آنرا استفاده خواهیم کرد.

کمکهای مالی

ظفر	۱۰۰	عبداله	۲۶۰	کرون	غ - ر	۵۰	مارک
امیرشماره ۱۰۰	۴۰	مازیار	۱۱۰	"	س - س	۵۰	"
ک - م	۵۰	عادل	۳۷۰	"	س - ه	۵۰	"
ن - ه	۲۰۰	رحمت	۱۱۰	"	ظفر	۱۰۰	"
س - ک	۶۰	آراز	۲۲۰	"	شماره ۱۰	۴۰	"
ف - ر	۴۰	دآراب	۲۱۰	"	ک - م	۲۰	"
ق - د	۵۰	هما یون	۲۳۰	"	ق - د	۵۰	"
۶۰ سوشیس	۲۰۰	فلاح	۱۵۰	"	پروانه	۵۰	"
رفیق ظاهر		م -	۲۵۰	۵۴			



عملیات پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

مزدوران جاش و چندالله به کمین پیشمرگان افتادند!

کارگران، زحمتکشان، خلق رزمنده کرد!

پیشمرگان قهرمان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بمناسبت فرا رسیدن یکم و دومین سالگرد اول ماه مه روز جهانی کارگر تصمیم به یک جوله نظامی در منطقه سردشت گرفتند. در این جوله پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مزدوران چندالله و جاش در منطقه سردشت را در نام خود انداختند. بنا به اطلاعات و اخبار رسیده به پیشمرگان، اخیرا بیش از ۳۰۰ تن از مزدوران جاش و چندالله بخاطر کنترل پلیسی رفت و آمدهاالی منطقه سردشت و کاروان چیان و دام گذاری برای پیشمرگان، به منطقه کانی زرد از توابع سردشت آمده بودند و به اشکال مختلف اهالی و زحمتکشان این منطقه را مورد آزار و اذیت قرار میدادند و از این رو پیشمرگان قهرمان سازمان ما خود را برای ضربه زدن به مزدوران رژیم آماده میکنند.

در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه ۶۸ دسته ای از پیشمرگان سازمان در محلی بنام "زینوی شینان" اقدام به کمین گذاری برای مزدوران جاش و چندالله میکنند. در ساعت ۶/۴۵ دقیقه بعد از ظهر بیش از ۵۰ تن از مزدوران جاش و چندالله از یکجا خارج شده و بطرف محل کمین شروع به پیشروی میکنند. پیشمرگان با آمادگی کامل منتظر میشوند تا مزدوران رژیم کاملاً به منطقه نزدیکشان برسند در ساعت ۷/۳۰ دقیقه مزدوران به نزدیکترین نقطه محل کمین گذاری در "زینوی شینان" رسیدند. بدستور فرمانده عملیات پیشمرگان با انواع سلاحهای سنگین و نیمه سنگین بسوی آنان آتش گشودند. در دقیقه آغازین عملیات مزدوران خود فروخته رژیم قاندره هیچگونه عکس العملی نشدند. آنگاه مزدوران همراه با مزدوران مستقر در یکجا پیشمرگان را با انواع سلاحهای سنگین و نیمه سنگین بزرگ آتش گرفتند. درگیری پیشمرگان با مزدوران رژیم بمدت ۵۰ دقیقه ادامه داشت. در طی این عملیات تلفاتی به مزدوران جاش و چندالله وارد نمیکند. از آنجا که در واقع اطلاع در دست نیست، پیشمرگان قهرمان سازمان پس از اتمام موفقیت آمیز عملیات بدون هیچگونه آسیبی منطقه درگیری را ترک کرده و به ما موریت انقلابی خود را با آن دادند.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!

سرتنگون با جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۹ اردیبهشت ۶۸

صدای کارگر

راه پیمایی طایفان کارگران انقلابی ایران در راه کارگر

برنامه های سرتاسری صدای کارگر:

- هر روز ساعت ۱/۵ عصر روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابرا بریا ۴ مگا هرتز پخش میگردد.
- این برنامه ساعت ۱/۸ همان شب و ساعت ۷ صبح روز بعد مجددا تکرار میشود.
- جمعه ها برنامه ویژه پخش میگردد.

برنامه های صدای کارگر ویژه کردستان:

- روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر بزبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابرا بریا ۴ مگا هرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ تکرار میگردد.
- جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه تکرار میگردد.

برای اطلاعات بیشتر در مورد راه پیمایی طایفان کارگران انقلابی ایران در راه کارگر، لطفاً به شماره تلفن ۰۲۱-۲۹۰۲۰۰۰۰ (خط ویژه) یا به آدرس زیر مراجعه کنید.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

پولین غریبی : ما ریش عزا

بمناسبت روز جهانی اعدا مشدگان

همچنین اعلامیه ای در این رابطه نیز در طول مسیر راه پیمایی پخش نمودند. شرکت تعداد وسیع زنان و مردان ایرانی در این تظاهرات چشمگیر نبود. عفو بین الملل از شما می شرکت کنندگان خواسته بود که با لباس مشکی در راه پیمایی شرکت کنند که اکثر شرکت کنندگان چنین کرده بودند. این مراسم از کانال اول تلویزیون آلمان فدرال پخش شد. علت شرکت گسترده زنان ایرانی در این مراسم سازماندهی حرکت آنها از قبل توسط کمیته ای از زنان ایرانی بود که بعد از اعلام در خطر بودن جان ۸۳ زن زندانی و بدستمال نشسته و اقداماتی در استمورد شکل گرفته بود. این اقدام جای زنان ایرانی نشان داد که اگر بتاسمیل زنان بخوسی سازمان یافته و جاری شوند نقش مهمی در حرکات و جنبش های مهاجرین در خارج از کشور خواهند داشت.

در روز ۲۵ آوریل ۱۹۸۹ بمناسبت روز جهانی اعدا مشدگان سراسر دنیا، از طرف عفو بین الملل تظاهراتی سازماندهی شد که در آن حدود ۲۰۰۰ نفر آلمانی و خارجی شرکت کرده بودند. تظاهرات کنندگان در طول مسیر راه پیمایی، پلاکاردهای راکه اسمی اعدا مشدگان سال ۱۹۸۸ در سراسر دنیا با اسم و کشور مشخص روی آن نوشته شده بود حمل میکردند. در پایان تظاهرات از طرف عفو بین الملل، بیانیه هایی در محکومیت حکم اعدا مورد اعتراض به آن خوانده شد.

زنان ایرانی مقیم پولین غریبی نیز در اعتراض به اعدا زندانیا نیا سیاسی در ایران و با لایحه اعتراضی به وضعیت ۸۳ زن زندانی که در حال حاضر خطر مرگ آنها را تهدید میکند، با یک پلاکاره بزرگ که روی آن "خطرا اعدا ۸۳ زن زندانی در ایران را تهدید میکند" نوشته شده بود، در این راه پیمایی شرکت کردند.